مدیریت شهری
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015
۱۰۹-۱۳۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۷ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱/۱۸

احیاء و ساماندهی بافت های فرسوده شهری در راستای توانمندسازی زنان شهروند؛ موردپژوهی: اقدامات شهرداری تهران

مریم فرج پور* – دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
علیرضا دودانگی – دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
حسین سلطانزاده – دکتری معماری، هیات علمی، گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده
امروزه بافت های فرسوده شهرها، نیازمند توجه بیشتری در حوزه برنامه ریزی و مدیریت شهری برای ساماندهی و احیاء می باشد که در این میان تغییر کاربری این فضاها همزمان با فرایند ساماندهی و نوسازی می تواند راهگشای استفاده مجدد از این فضاها باشد. از سویی دیگر، زنان سرپرست خانوار به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر اجتماعی لازم است مورد توجه مدیریت شهری و شهرداری ها قرار گیرند که در این میان اقدامات مرکز امور بانوان شهرداری تهران در این رابطه حائز اهمیت است. بر این اساس، در این مقاله در روش توصیفی و تحلیلی و ارزیابی استدلالی به موضوع تغییر کاربری بافتهای فرسوده برای مراکز تفریحی، اجتماعی و اقتصادی بانوان منجمله مراکز شهربانو پرداخته شده است. مرجع تحلیل آمار مرکز امور زنان شهرداری تهران و تحلیل ادبیات نظری در این رابطه بوده است. نتایج تحقیق نیز ضمن اشاره به میزان خدمات رسانی شهرداری تهران و امور زنان منجمله در طرح های توانمندسازی و مجموعه های شهربانو، به ارائه راهکارهایی در راستای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهر تهران در حوزه وظایف شهرداری و مدیریت شهری تهران معطوف شده و پیشنهاداتی را در این رابطه مورد اشاره قرار داده است.
واژگان کلیدی: توانمندسازی، بافتهای فرسوده، ساماندهی و احیاء، زنان سرپرست خانوار، مرکز امور زنان شهرداری تهران، راهکارها و پیشنهادات.

Revive and reorganize the urban tissue for citizen empowerment of women; Case: Municipality of Tehran

Abstract
The old urban tissue requires more attention in the field of planning and urban management and restoration is to organize the change of use of the space at the same time that the process of reorganization and modernization can help the re-use of these spaces. On the other hand, female-headed households as a social vulnerable groups and areas of urban management should be considered. Meanwhile, the Women's Affairs Center in Tehran in this regard is important. Therefore, in this article in an analytical and rational assessment of the issue of the change of use of old tissues for recreation centers, social and economic had been women. Reference statistical analysis of the Women's Affairs Center of Tehran Municipality in this regard is the analysis of theoretical literature. The results alluding to the services of Tehran and the empowerment of women, including the design and SH series, to provide solutions to the empowerment of women-headed households is growing in Tehran.
Keywords: Empowerment, worn tissues, regulation and rehabilitation, women heads of households, the center of Tehran women's affairs, strategies and recommendations.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۸۷-۳۳۶۶۱۳۴۵، رایانامه: kau1348@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مقدمه

«بافت های فرسوده شهری» و حاشیه نشینی از پیامدهای نامطلوب شهرنشینی در جهان معاصر است که به ویژه در نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری های منطقه ای شکل گرفته است (زیاری و نوذری، ۱۳۸۸، ص ۲۱) و این موضوع از جمله چالش‌های مهم فراروی مدیریت شهری در جهان معاصر است که دستیابی به پایداری شهری را با مشکل مواجه ساخته است (شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۴). در دهه‌های اخیر صاحب نظران به منظور سامان دادن به بافتهای فرسوده به روش‌های گوناگون با آن برخورد کرده‌اند. برخی کشورها از جمله فیلیپین، اندونزی و مالزی با استفاده از «روش توانمندسازی»، بهره جستن از اعتبارات جهانی، تخصیص بخشی از اعتبارات ملّی و جلوگیری از مهاجرت بی رویه از طریق عمران و آبادانی روستاها، در مهار کردن این پدیده توفیقاتی داشته‌اند. از سویی دیگر، آمارهای جهانی تصویری بسیار منفی و ناراحت‌کننده از وضعیت زنان به دست می‌دهند. طبق گزارش سازمان ملل، تعداد بسیاری از تقریباً صد میلیون جمعیت آواره و بی‌مسکن دنیا را زنان تشکیل می‌دهند. هفتاد درصد از ۱.۳ میلیارد نفر از جمعیت کره‌ی زمین که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، زنان و دختران هستند که منجر به وجود آمدن پدیده‌یی به نام «زنانه شدن فقر در جهان» شده است ؛ این که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ولی درصد بسیار بسیار کمی از ثروت جهانی در دست آن‌ها است. در چند ماه اخیر در کشور ایران گزارش‌ها و تحلیل‌های زیادی از مشکلات زنان و دختران در رسانه‌های عمومی ارائه شده است. تبعیض و نابرابری و تحقیر زنان که نیمی از جامعه جهانی را تشکیل می‌دهند باعث تنزل منزلت انسان‌هاست. تبعیض باعث عقب‌ماندگی می‌شود و عقب‌مانده‌گی مانع رشد و پویایی زنان است و مشارکت انسان‌ها در عرصه فردی، اجتماعی، خانواده‌گی و جهانی را مخدوش می‌کند. عکس العمل زنان در برابر تبعیض به روش‌های مختلف ابراز می‌شود و تأثیرات مضر بر خانواده و تربیت فرزندان دارد، به جامعه آسیب می‌رساند و مشکلات کنونی دنیا را افزایش می‌دهد[1]. توانمندسازی یعنی اینکه شهروندان باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که امکان تعیین و انتخاب بر اساس نیازهای خود را داشته باشند و در واقع قادر باشند از توانمندی ها و قابلیت های خود در راستای بهبود زیستی و معیشتی خود بهره بگیرند. در این میان زنان و بالاخص زنان سرپرست خانوار اهمیتی مضاعف دارند؛ چنانچه زنی که بنا به عللی از قبیل عدم ازدواج، متارکه، طلاق یا فوت همسر، مفقودالاثر شدن، اعتیاد، از کار افتادگی (به طور دایم یا موقت)، محکومیت به زندان، اعزام به سربازی همسر، بیماری سرپرست و عوامل دیگر مسئولیت تامین معاش مالی را بر عهده دارد، از زنان سرپرست خانوار به شمار می آید[2]. باید گفت که؛ زنان به عنوان نیمی از شهروندان و کسانی که در فرهنگ سازی جامعه نقش عمده ای دارند، امروزه از دیدگاه مدیریت شهری مورد توجه ویژه قرار گرفته اند و لازم است جهت نیل به توسعه پایدار و تحقق مدیریت شهری اثر بخش به توانمندسازی آنها توجه خاص مبذول شود. توانمندسازی فرایندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته های درونی خود آگاه می شوند، جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می کنند و از توانائی لازم برای عملی ساختن خواسته های خود برخوردار می شوند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۵). در تعریفی دیگر از توانمندسازی زنان آمده

۱. در سال ۱۳۷۵، تعداد مردان سرپرست خانوار حدود ۱۱ برابر (۱۰/۹) تعداد زنان سرپرست خانوار بوده در حالی که نسبت یاد شده (تعداد سرپرست مرد به زن) در سال ۱۳۸۵ به کمتر از ۱۰ برابر (۹/۶) کاهش یافته است. گروه های سنی پنج ساله نشان می دهد که از نظر سنی مردان سرپرست خانوار بیشتر در سنین جوانی و میانسالی (به تقریب از سن ۲۴-۲۰ سالگی تا ۴۹- ۴۵ سالگی) هستند، در حالی که در بین زنان این نسبت همگام با بالا رفتن سن، افزایش می یابد و در سن ۶۵ سالگی و بیشتر به حداکثر میزان خود می رسد (آماره های برگرفته از سایت آمار،۱۳۹۳).

۲. براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۶۴۱۰۴۴ خانوار زن سرپرست در کل کشور داریم که بیش ترین آن مربوط به استان تهران با ۳۵۱۲۰۲ خانوار زن سرپرست و کم ترین آن ایلام با ۸۸۳۶ خانوار زن سرپرست می باشد؛ همچنین خراسان جنوبی با ۵/۱۲ درصد بیشترین نسبت خانورهای زن سرپرست و کهکیلویه و بویراحمد با ۵/۷ درصد کمترین نسبت خانوارهای زن سرپرست را دارا است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

است که توانمندسازی زنان یعنی آنها بر شرم بی‌مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن شناختی دقیق داشته باشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدفهای خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های موردنظر دست یابند (فرخی، ۱۳۷۶، ص ۷۶). نظریه‌های توانمندسازی خواستار قدرت دادن به زنان نه به معنای برتری یک فرد بر فرد دیگر، بلکه به معنای افزایش توان آنها برای اتکا به خود و گسترش حق انتخاب در زندگی هستند (کتابی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

در این مقاله تلاش شده است تا ضمن اشاره به مفهوم بافتهای فرسوده و روشهای مداخله در آن منجمله تغییر کاربری فضایی و تبدیل آن به کاربری‌های مطلوبتر که امکان توانمندسازی زنان را فراهم می‌کند، به این مفهوم اشاره شود که می توان از فضاهای کالبدی موجود در بافتهای فرسوده برای ایجاد فضاهایی با کاربری های جدید که امکان معیشت زیستی جدید را برای اقشار آسیب پذیر جامعه را فراهم می کند، بهره گرفته شود؛ چنانچه مرکز امور بانوان شهرداری تهران به احداث و ایجاد مراکزی با عنوان شهربانو اقدام کرده است؛ لذا در ادامه به اختصار به مبانی نظری و در پایان راهکارهایی در راستای تونمندسازی زنان با فراتحلیل مطالعات صورت گرفته اشاره می شود.

مواد و روشها

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی و شیوه اسنادی برای گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است.همچنین روش تحلیل منطقی هم در بررسی و ارزیابی مرکز امور بانوان شهرداری تهران مورد توجه بوده است که در پایان به ارائه مجموعه پیشنهاداتی در این زمینه منتهی شده است.

پیشینه موضوع

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه های آسیب پذیر اجتماعی هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت یا اعتیاد همسر، از کارافتادگی و رها شدن توسط مردان موجب آسیب پذیر شدن این طیف وسیع در جامعه می شود. تصور این واقعیت که اگر موقعیت آنان در جامعه سنتی و پدر سالارانه باشند نیز دردآور است. براساس آمارهای رسمی کشور امروز زنان سرپرستی ۹/۴ درصد خانوار ایرانی را بر عهده دارند (غفاری ۱۳۸۲، ص ۶)؛ و درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار می شود. از سویی دیگر، با مروری بر تاریخچه شرکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به این نکته پی می‌بریم که زنان تا پیش از انقلاب صنعتی دوشادوش مردان در این امر مشارکت داشتند و اساساً کاری خارج از منزل وجود نداشت، بعضی کارها مخصوص مردان و برخی از کارها مخصوص زنان بود، اما درآمد مستقلی این میان معنی نداشت. با این وجود از انقلاب صنعتی به بعد، به خاطر وجود کارخانه‌ها مردان مجبور شدند به آن‌جا بروند، با محدودیت جذب نیرو، دیدگاه منفی‌ای نسبت به زنانی که تا پیش از این همراه مردان کار می‌کردند، ایجاد شد، به این مضمون که این زنان حق کار کردن و فرصت‌های شغلی مردان را تهدید می‌کنند. با این نگرش بود که مردان اساسا خارج از خانه رفتند و زنان خانه دار شدند و کم کم جنس اول و دوم به معنی حقیقی نمود پیدا

۱. تحقیق کیفی ارتباط خاصی با مطالعه روابط اجتماعی دارد و وامدار این واقعیت است که زیست جهان ها متکثر شده‌اند. این متکثر شدن را با تعابیر کلیدی همچون ابهام های تازه، رشد فردی شدن شیوه های زیست و الگوهای زندگی، و حل شدن نابرابری های اجتماعی قدیمی در تنوع جدیدی از محیط های اجتماعی، خرده فرهنگ ها، سبک های زندگی و شیوه های زیست، نشان داده‌اند. این متکثر شدن حساسیت جدیدی نسبت به مطالعه تجربی مسائل ایجاب می کند. مدافعان پست مدرنیسم از پایان عصر روایت ها و نظریه های کلان سخن می گویند. به اعتقاد آنان، اکنون به روایت های محلی، موقت، و محدود نیازمندیم. برای مطالعه زمینه های اجتماعی به جای شروع پژوهش از نظریه ها و آزمون ها آنها، به مفاهیم حساسیت برانگیز نیاز است. از آنجا که دیدگاههای شخص محقق و نیز افراد مورد بررسی تا حد زیادی حذف می شوند، عینیت مطالعه باید تضمین شود (اووه فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

کـرد. بـا ایـن حـال زنـان طبقـه‌ی کارگـر که بـه علت کمبـود منابع مالـی همسرانشـان مجبور بـه کار بودند همچنـان در محـل کار خـود ماندند؛ ولی با این شـرط کـه (دختران) به محض ازدواج از کار خارج شـوند، این اصـل پذیرفته شـده‌ی تمـام زنـان آن دوران بـود؛ ولی ایـن خانه داری بسـیار بد بـرای زنان تمام شـد، چراکه زنـان دیگـر نمی‌توانسـتند در فعالیت‌هـای اجتماعـی نیـز شـرکت کنند، زنجیره‌ای پیوسـته کـه فعالیت‌های اقتصـادی، اجتماعی و سیاسـی را به هـم پیوند می‌داد، دیگـر حـق دخالـت در دیگـر امـور را نیز از زنان سـلب کـرده بـود. بـا این شـرایط، فشـار کاری بر زنـان کارگر هـر روز بیشـتر از روز قبـل می‌شـد، از سـوی دیگـر زنـان روشـنفکر نیـز خواهـان شـرکت در فعالیت‌هـای اجتماعـی و اقتصـادی بودند(همچـون گذشـته)، از این رو کم‌کـم موج‌هـای مخالـف و زمزمه‌هـای آرامـی از مخالفـت بـه گوش می‌رسـید. این اعتراضـات که اولین بـار بـه صـورت علنـی در هشـت مـارس سـال ۱۸۵۷ توسـط زنـان کارگـر کارگاه‌هـای پارچه‌بافـی و لبـاس دوزی در نیویـورک آمریـکا و بـا خواسـته‌های بسـیار ابتدایـی از جمله افزایش دسـتمزد، کاهش سـاعات کار و بهبـود شـرایط بسـیار نامناسـب کار، صـورت گرفـت بـا حملـه پلیـس و کتـک زدن زنـان بـه هم خـورد. اما نقطـه‌ی عطفـی در ایـن اعتراضـات بـود، تـا اینکـه در قـرن بیسـتم، فشـارها بـر زنـان کمتـر شـد و کـم کم زنـان توانسـتند تا حـدود زیادی، وارد عرصه کار شـوند (پامـلا ابـوت و کلـر والاس، ۱۳۸۷، ص۳).

در گذشـته در ایـران نیـز، کوشـش مربیان بیشـتر این بـود کـه دختران را فقط بـرای زندگی سـالم خانوادگی آمـاده کننـد و بـه کارهـای علمـی و فکری آنـان توجه لازم نمـی شـد، زیرا تصور می کردند کـه زن تنها برای خانـه داری و تولیـد مثـل و پرورش کودک خلق شـده اسـت و حضـور اجتماعـی او مفیـد نبـوده یـا مضر می باشـد. در دوران قاجـار، بریدگـی زنـان مرفه شـهری از اجتمـاع بـه درجه ای بـود که تنها هنـگام حمام رفتن، شـرکت در جلسـات مذهبـی یـا میهمانـی هـای زنانه مـی توانسـتند در کوچـه و بـازار ظاهر شـوند. در میان زنـان طبقـات محـروم و متوسـط جامعـه، بـرای تأمین هزینـه زندگـی و رفـع ضروریـات، کار در مـزارع جالیـز و شـالی و یـا کارگاههـای بافندگـی و صنایـع کوچـک دسـتی الزامـی بـوده اسـت. کلارا رایس در کتـاب زنان ایرانـی و راه و رسـم زندگـی آنها مـی گوید:

«ضمـن کارهـای مربـوط به داخـل خانه، بافتن و پشـم ریسـی، پختـن نان، تهیـه لبنیات و غیره بـه عهده آنان بـود. زنان وابسـته به طبقـات پایین بنا به نـوع تولیدات منطقـه زیسـتی خویـش در کارگاههـای خانوادگـی مشـغول کار بودنـد و از ایـن طریـق به اقتصـاد بی جان خانـواده کمـک مـی کردنـد (کلارا رایـس، ۱۳۸۳، ص ۲۱)».

و همچنین اضافه می کند:

«هیـچ گونـه قانونـی بـرای کار وجـود نـدارد. کارگـران مزد بسـیار ناچیـزی می گیرنـد، لذا زنان بسـیاری باید بـه کسـب معاش خـود بپردازنـد و آنچه را بـه اجبار به آنهـا مـی دهنـد، دریافـت و تحمـل کنند (همـان، ص ۲۲)».

گشـایش جامعـه ایـران بـه سـوی آورده هـای تمـدن جدیـد، دگرگونی های بسـیار بـه بار آورده اسـت که از مهـم ترین آنها حضور اجتماعی محسـوس و دسـتیابی بـه بازاراشـتغال اسـتورود زنـان بـه بـازار کار و صنعـت و اشـتغال در ایـران یـک قـرن بعـد از حضور گسـترده زنـان غربـی بـود زیـرا ورود فـن آوری بـه ایران بـا این فاصلـه صـورت گرفـت. البتـه سـیر صعـودی اشـتغال زنـان در ایـران بـه کُنـدی و آهسـته پیـش مـی رفـت زیـرا شـرایط بـرای تولیـد انبـوه که با سـاخت یـا ورود فـن آوری ارتباط مسـتقیم دارد، تا مـدت ها مهیا نبوده و بـازار کار ظرفیـت جـذب نیـروی کار زنـان بیشـتری را نداشـت. تحـولات کُنـد و آهسـته اقتصـادی، تـوأم با ریشـه های تناور سـنتی کـه همواره در ایـران روند ضد اشـتغال زنـان را طی کرده اسـت، زن را از بـازار کار دور نگـه داشـته انـد و در مراحلـی کـه زن بـه طـور جدی در بـازار کار جلـوه گـر شـده و جمعـی از مدیـران بـه افزایـش حضـور او تأکیـد ورزیـده انـد، ناگهان سـدها و موانـع سـنتی و حقوقـی بـه شـکل هـا و صـورت های

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

خـاص بـر سـر راهـش قـرار گرفتـه و گاهـی او را تـا قهقـرا پـس رانـده انـد. در کشـور مـا، گرایش زنـان به اشـتغال همـگام بـا دسترسـی بیشـتر آنان به سـازمان های آموزشـی (مـدارس و دانشـگاهها) در طی مدت به نسـبت کوتاه در اغلب شـهرهای بزرگ شـدت یافت. اما از آنجـا کـه ایـن امر با شـتاب زدگی در میـان برخی از گروههـا مطرح گردیـد، در عین حال شـرایط اجتماعی ـ فرهنگـی جامعـه در خیلـی از موارد پویایی متناسـب با آن را نداشـت، اشـتغال زنان از سـویی با مسـائل حاد مواجـه گردیـد و اختلاف عقیـده را در میـان توده های مختلـف مـردم موجـب شـد. مـردان از زمانی کـه وارد بـازار کار مـی شـوند معمـولاً تا هنـگام بازنشسـتگی به صـورت پیوسـته در بـازار کار باقی مـی مانند و تحولات زندگـی، ایـن حضـور پیوسـته را مختـل نمـی کنـد در صورتـی کـه زنـان دارای مشـارکت ناپیوسـته و قطعـه قطعـه هسـتند و تحـت تأثیـر تغییـرات زندگـی مثـل وضـع تأهـل، تعـداد فرزندان و غیـره، الگوی مشـارکت شـان تغییـر می کند. اعتقـاد به نابرابری مـردان و زنان از نظـر قـوای بدنـی و فکـری سـبب شـده اسـت کـه درهـای بسـیاری از مشـاغل بـه روی زنان بسـته شـود و حتـی خـودِ زنـان نیـز در بسـته بـودن این بر اسـاس بررسـی هـای آمـاری انجـام شـده ۸۲/۳۸ درصـد زنانِ شـاغل در بخـش آموزشـی و فرهنگـی کار مـی کنند و در بخـش هـای خدمـات فنـی، مهندسـی، حرفـه ای و کشـاورزی، کمتـر از ۵ درصـد اشـتغال دارنـد. تغییرات بافت اقتصادی اشـتغال زنان در سـال های اخیر نشـان مـی دهـد کـه اشـتغال زنان کشـور توسـعه نمـی یابد مگـر اینکـه فعالیـت هـای صنعتـی رشـد و پیشـرفت اقتصـادی مناسـبی پیـدا کنـد. یعنی اگر درجسـتجوی این هسـتیم که زنان سـهم و جایگاه مناسـبی در تولید کشـور داشـته باشـند و به نرخ هـای مشـارکت درخور توجهـی دسـت پیـدا کننـد، بایسـتی فعالیت هـای کشـور توسـعه پیـدا کند و متناسـب بـا آن سـهم زنان از مجموعـه فعالیـت هـای صنعتـی افزایـش یابـد. در شـرایط قـرار گرفتـن در مسـیر توسـعه، هـر گاه فقـط انتظـار ایفای نقش های سـنتی از زنان داشـته باشـیم، تفکـر مـردود و غیـر منطقـی خواهیم داشـت.

اگـر چـه موضوع زنـان سرپرسـت خانوار و مشـکلات و معضـلات آنان یکی از مسـائل مهم اجتماعی سـت ولی متاسـفانه در این راسـتا کار شـایان توجهی انجام نشده اسـت بـه همیـن دلیل کارهـای هر چه بیشـتری را در ایـن مقولـه مـی طلبـد. کارهایـی کـه تاکنـون در ایـن موضـوع انجـام شـده به صـورت جانبـی و بخـش های از تحقیقـات مربـوط به خانـواده ، اعتیـاد، و طلاق بوده اسـت. از محـدود تحقیق هـای انجام شـده، عبارتند از: بررسـی علل آسـیب شناسـی اجتماعـی خانـواده های تـک سرپرسـت در یـک وزارت خانـه، سـهیلا مبـارک، ۱۳۸۳، همایش آسـیب شناسـی خانواده در ایران است کـه در آن عوامـل وضعیـت نامناسـب اقتصـادی، پایین بـودن سـطح درامـد، زندگـی در محـلات شـلوغ، نـوع مسـکن و غیـره را در بـروز اسـیب هـای اجتماعی موثر مـی دانـد. تحقیق دیگری با موضوع آسـیب شناسـی و ارزیابـی پدیده بیوگی در شـهر تهران بـا رویکرد جامعه شـناختی توسـط دکتر محمدتقی شـیخی عضو هیئت علمـی دانشـگاه الزهـرا در سـال ۱۳۸۳ انجـام شـده اسـت کـه در آن بـه بررسـی آسـیب های اجتماعـی، نابه سـامانی های اقتصـادی، نارسـایی های روانـی در زنـان بیـوه می پـردازد. مطالعـات و منابـع گوناگـون از کشـورهای مختلـف نشـان مـی دهد کـه افزایـش زنان در جایـگاه هـای مدیریتی، به ویژه در مقایسـه با تعداد زنان شـاغل، هنوز نامتعادل اسـت («کرافورد» ، ۱۹۳۳؛ «کوتیـس» ، ۱۹۹۳؛ بنقـل از کجبـاف و همـکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). در حـال حاضـر جامعه صنعتی چون در تمـام حـوزه ها متکـی به حاکمیت مردانه اسـت، در برخـی عرصه هـا که نیاز بـه روحیات غالب زنان اسـت، ضعیـف عمـل مـی کند؛ لـذا مـی تـوان در آن زمینه ها

۱. جایگاه زنان در سطوح مدیریتی و بررسی و آسیب شناسی عدم مشارکت پذیری آنها در سطوح مدیریتی از جمله مهمترین مواردی است که انتظار می رود در فرآیند برنامه ریزی راهبردی سطوح مدیریتی شهر مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه به برخی از تحقیقات در این رابطه به اختصار اشاره می شود: (*) از بررسی اطلاعات ۴۰ کشور راجع به توسعه انسانی بر اساس آخرین آمار بین المللی سال ۱۹۹۸ و تاثیر آن بر میزان فعالیت زنان چنین نتیجه گیری می شود که کشورها می توانند در زمینه فعالیت اقتصادی زنان در سطوح بالای شغلی سرمایه گذاری کنند و شاهد رشد توسعه انسانی باشند. مواردی که مورد آزمون و تایید قرار گرفته عبارتند از: عدم دسترسی زنان به تخصص های بالا، حضور فیزیکی در محل کار، ساعت های کار، مشکل ایاب و ذهاب، مشکل

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

از مدیریت زنانه بهره گرفت.[1]

مبانی نظری

مکاتب و نظریه‌های متعددی درباره بهسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری ارائه شده که بعضی از مکاتب نقش انسان و محوریت آن را اصلی اساسی می‌دانند که در زیر به آنها اشاره می شود:

«مکتب انسانگرایی»: «کریستوفر الکساندر» ، «پاتریک گدس» ، «کوین لینچ» از جمله اندیشمندان و نظریه پردازان قرن بیستم هستند که در زمینه بهسازی و نوسازی بر اساس شهرسازی انسانگرا اظهارنظر کرده‌اند. نظریه‌های این گروه تحت تأثیر نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی است. هدف اصلی این گروه توجه به مردم و مشارکت آنها در بهسازی و نوسازی فضاهای شهری است. بهسازی و نوسازی شهریِ شهرسازان انسانگرا، بر اساس نظرها و مشارکت شهروندان و سپس با توجه به بررسی‌های لازم صورت می گیرد. مداخله مردم گرایانه بیش از طراحی به برنامه ریزی شهری می اندیشد. برنامه ریزی که در آن مردم و یا شهروندان نقش اساسی را در ساماندهی شهری بازی می کنند (کوین لینچ، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲). این مکتب اعتقاد دارد شهر صنعت-زده قرن بیستمی قادر به برآوردن نیازهای جسمی و روانی ساکنانش نیست، از این رو توجه به طبیعت و فرهنگ از اصول مهم این دیدگاه است.

«مکتب توسعه پایدار»: بافت قدیم در دوران معاصر با یک تضاد اساسی روبرو شده است. از یک طرف هویت تاریخی و فضایی آنها براساس هویت انسانی، اقتصاد پیشه وری و فرهنگ ما قبل صنعتی شکل گرفته و از طرف دیگر با نیازها و الزامات نیرومند عصر صنعتی و پسا صنعتی روبرو شده است. جدایی و بریدن از میراث گذشته شهر به بی هویتی و آشفتگی می انجامد و از طرفی مقاومت در برابر سبک های جدید زندگی شهری به انزوا و جدایی از تحولات جهانی منجر می شود (مهدیزاده، ۱۳۸۴، ص ۱۴). مقابله با این تضاد و بحران به یک رویکرد راهبردی درازمدت و نگرش علمی و جامع نیاز دارد. شاید مناسب ترین راهکار در این زمینه، توسعه شهری پایدار و تدوین دستور کار ملی توسعه شهری پایدار است. نظریه توسعه پایدار در راستای حمایت از منابع محیطی ارائه شده است. مبانی نظری این رویکرد بر نگهداری منابع در حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. این نظریه راه رسیدن به این اهداف را از طریق اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین و کنترل کاربریها می داند (Curtis,۲۰۰۸: ۱۰۷).

رویکردهای مداخله در بافتهای فرسوده

با بروز پدیده بافتهای فرسوه در کشورهای درحال توسعه وتوسعه یافته، اندیشمندان دیدگاههای متفاوتی ارائه داده اند که عبارتند از:

۱.«دیدگاه مساله گرا»: این دیدگاه شامل «اکولوژیستهای انسانی»، «جامعه شناسان مکتب شیکاگو»، «وبریها و نئووبریها» می باشد. این گروه

◀ ترکیب نقشهای مادری- همسری با کار بیرون خانه (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۵، ص ۵۹). (*) اسفیدانی موانع دستیابی زنان به پست های مدیریت در وزارت خانه های کشور را مورد بررسی قرار داده است. طبق نتایج تحقیق عدم قرارگیری زنان در پست های مدیریتی، به مردسالاریِ فرهنگ سازمانی و همچنین نگرش مدیران مرد در وزارتخانه های مستقر در تهران معطوف می باشد» (لهسایی زاده و بوستانی، ۱۳۸۵). (*) طبق نتایج مقاله ارتقای مشارکت زنان در سطوح مدیریتی ایران توسط دکتر شمس السادات زاهدی مسئولیت های خانوادگی و عوامل سازمانی شامل سیاست های منابع انسانی، قوانین و مقررات رویه ها و روش ها، شرایط احراز مشاغل مدیریتی، در اقلیت بودن زنان، سبک های مدیریتی، موانع ارتباطی، جو و فضای سازمانی، عوامل فرهنگی، مانع ارتقای زنان در سطوح مدیریتی در ایران است (زاهدی، ۱۳۸۲، ص ۱۷). (*) تحقیقی تحت عنوان بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جای گاه های مدیریتی در سال ۱۳۸۷ توسط محمد باقر کجباف و ملیحه سادات کاظمی انجام شده است. نتایج نشان داد که مردان نسبت به مدیریت زنان نگرشی منفی دارند و عوامل فردی و شخصیتی را از موانع مدیریت آنان می دانند. (*) محمد علی بابایی زکلیکی پژوهشی با عنوان چالش های زنان برای دستیابی به مشاغل مدیریتی در سازمانهای دولتی در سال ۱۳۸۷ انجام داده است. طبق بررسی ها در سالهای اخیر تعداد زنان ارتقا یافته به مشاغل مدیریتی افزایش یافته است ولی هنوز آنان سهم اندکی از کل مشاغل مدیریتی برخوردارند. (*) تحقیقی تحت عنوان مشارکت اجتماعی در ایران توسط منوچهر محسنی و عذرا جاراللهی انجام گرفته است. طبق این تحقیق بیشترین مشارکت با گروهها نزد میانسالان مشاهده می شود که به اقتضای سن معمولا بیشترین فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی را به عهده دارند (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۴۷). (*) فاطمه صمدیان، پژوهشی را تحت عنوان «بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی زنان در کرمان»، نتیجه گرفت متغیرهای زمینه ای وضعیت تاهل و تحصیلات با مشارکت رسمی رابطه معنی دار دارد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۱. نظریه های بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری

نظریه های بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده شهری	
نظریه اعیان سازی (اصالت بخشی)	نظریه اصالت بخشی یا راهبرد اصلاح مسکن به همراه بهبود زندگی اجتماعی در بافت قدیم یا بخش مرکزی شهرها بویژه برای گروه های اجتماعی با درآمد زیاد، جوانان و خانواده های کم فرزند است. اصالت بخشی فرایندی است که در نواحی مرکزی شهرها صورت می گیرد و از طریق آن خانه های قدیمی و نیمه قدیمی خریداری می شوند و پس از نوسازی و بهسازی شرایط زندگی برای طبقه متوسط جامعه و حتی طبقات ثروتمند را فراهم می آورند (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ص ۲۲۳).
نظریه محرومیت زدایی و راهبرد برنامه ریزی اجتماعی	این راهبرد به جای نوسازی املاک، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی و حل مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی مردم را مورد توجه قرار می دهد. بر اساس این نظریه ابتدا از طریق تحلیل علل محرومیت و فرسودگی شهری باید زمینه های لازم برای اجرای سیاستها و برنامه های ساماندهی شهری فراهم آید. اقتصادی که نتواند شکم مردم خود را سیر کند، نمی تواند به بهسازی و نوسازی شهری بپردازد و برای آینده خود سرمایه گذاری کند.
الگوی جایگزین	قسمت های فرسوده در داخل شهر از طرفی خریداری شده و با پاکسازی و ساخت و سازهای جدید جایگزینی صورت می گیرد. فرض بر این است که قسمتهای فرسوده در سیستم شهری کارایی ندارند. هدف اصلی جایگزینی ایجاد هماهنگی در بخشهای مختلف شهر و تأمین منابع مالی برای نواحی شهری و مشارکت اجتماعات محلی در بهبود محیط فیزیکی شان است. برنامه جایگزینی با کمک بخش خصوصی توسط تشکیلات نهادی صورت می گیرد.
الگوی پالایش شهری	این الگو متکی بر کوچ ساکنان و اشتغال، به خارج شهر می باشد، بدین ترتیب که جمعیت مناطق فرسوده و قدیمی مراکز شهری به حومه ها و شهرک های جدید رانده می شود و در این مکانهای جدید، اشتغال افراد نیز در نظر گرفته می شود. از طرف دیگر، مناطق فرسوده قدیمی پاکسازی شده و با ایجاد نواحی مسکونی جدید سعی می شود، گروه های اجتماعی با درآمد متوسط و بالا در این مناطق جایگزین شوند (عظیمی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲).
راهبرد خودکفایی و خود تنظیمی	این راهبرد بر خلاف تخلیه بافت و تعویض مکان (الگوی جایگزینی) حفظ و بهبود املاک موجود بدون جایگزینی ساکنان آن است؛ بنابراین راهبرد، هرفضایی قابل بهبود است و ارزش اصلاح در محل خود را دارد.
طرح تجمیع	طرحها تنها در زمانی توصیه می شود که نه بناهای موجود در بافت دارای ارزش باشند و نه مجموعه عناصر شهری ارزشمندی ارائه دهند. در نهایت تخریب املاک و تجمیع پلاکهای ثبتی شهر مطرح می شود (حیدرنتاج، ۱۳۸۶، ص ۶۱).
سرمایه اجتماعی	هرچه تحولات جامعه سمت و سوی مردمی تر به خود بگیرد، اهمیت مشارکت و همچنین نقش و جایگاه آن در فرایند تکامل اجتماعی بیشتر آشکار می شود. مشارکت فرایندی از خود آموزی اجتماعی و مدنی است. این تغییر موجب برقراری مناسبات اجتماعی و انسانی جدید می شود. خودگردانی، تجسم دموکراسی است. اعتماد اجتماعی ، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مواد اولیه سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند که ارتباطی عمودی با هم دارند. بدین معنا که در سایه آشنایی اجتماعی، اعتماد اجتماعی شکل می گیرد. اعتماد بوجود آمده به انسجام اجتماعی منجر می شود و نهایتاً اعتماد و انسجام حاصله در قالب شبکه های اجتماعی (رسمی و غیر رسمی) به جریان مشارکت اجتماعی ختم می شود.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۲. آسیب‌شناسی مراحل مختلف فرایند دخالت در بافت شهری؛ ماخذ: نگارنده.

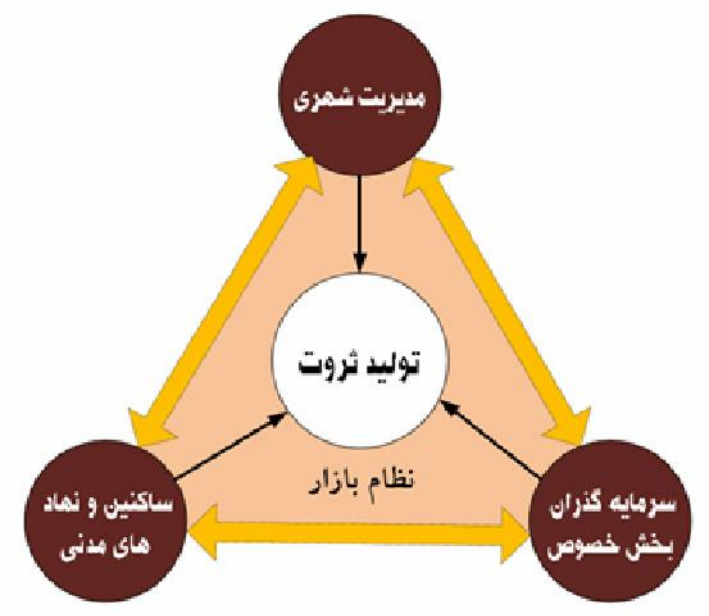
مراحل / عوامل	برنامه‌ریزی	طراحی	اجرا	ارزیابی اجرا
مهمترین مسائل	اهداف و تمایلات ذی‌نفوذان، تمایلات ذی‌نفعان، کشور، چشم‌انداز، هدف، بهبود وضعیت	شناخت، مبانی، مردم، بهبود وضعیت	سرعت، آورده اقتصادی، ذی‌نفوذان، مشارکت اقتصادی ذی‌نفعان و توجیه اقتصادی و سیاسی	توجیه طرح و یا تخریب بدون دلیل (بسته به جایگاه کارفرما)
گروه‌های درگیر	ذی‌نفوذان و کارفرمای مادر	مشاورین طراح، کارفرما	مردم، کارفرما و پیمانکار	کارفرما، ذی‌نفعان و مردم
مقیاس به ترتیب بر اساس اهمیت	کشور، منطقه و شهر	محله، ناحیه و شهر	بنا و محله	محله، ناحیه و شهر
زمان	نامحدود و طولانی‌مدت	زمان‌بندی شده	کوتاه‌مدت	کوتاه‌مدت و مقطعی

از صاحب‌نظران، خلق فضای حاشیه نشینی شهر را تا حد یک پدیده شهرنشینی تقلیل و ضمن طبیعی جلوه دادن آن، چنین فضاهایی را محصول جبر مکانی- طبیعی و حداکثر کارکرد ناقص و غلط برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می‌دانند و غافل از توجه به ریشه و بنیان های مساله و عوامل اساسی موثر در پیدایش و شکل‌دهی این سکونتگاه‌ها، آن را یک پدیده عادی و طبیعی قلمداد می کنند و عوارض سوء آن را در ایجاد بزهکاری، جرم، جنایت و تهدید امنیت شهری و انواع آسیبهای اجتماعی توصیف می‌کنند و آنها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، پاکسازی و جمع آوری می دانند (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵).

۲. «نگرش راه حل گرا»: شامل مجموعه نظریاتی است که اصولاً با بنیادها، ریشه‌ها و عوامل دخیل در شکل گیری این کانون ها کاری ندارد و در تبیین و تحلیل نهایی پدیده‌ها ریشه در دیدگاه مساله گرا دارد. با این تفاوت که هدف گرایان، حاشیه‌نشینی را نه بعنوان یک پدیده طبیعی و بهنجار در حال رشد طبیعی شهر، بلکه بعنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راهکاری در جهت ارتقاء چنین سکونتگاه‌ها هستند.

۳. «بنیادگرایان»: این دسته از صاحبنظران در تحلیل مسائل بافت‌های فرسوده به بنیان‌ها و ریشه‌های این کانون‌ها توجه داشته و آن را بیش از هرچیز به نظام سرمایه‌داری و پیامدهای آن نسبت می‌دهند. از این دیدگاه سرمایه‌داری عامل اصلی فقر و کمبودهای اجتماعی و در نهایت دو قطبی شدن جامعه است (شکوهی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۲)؛ هرچند در این دیدگاه به ریشه‌های اصلی شکل گیری این کانونها توجه شده است ولی رویکرد مناسب در جهت ساماندهی و ارتقاء محیطی این سکونتگاه‌ها ندارد. این نگرش دارای ضعف بنیادین در ارائه راهکارها و راه‌حلهای لازم جهت ساماندهی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



تصویر ۱. نقش آفرینان نوسازی بافتهای فرسوده شهری و مدیریت شهری؛ ماخذ: نگارنده.

و بهسازی زندگی و سکونت در سکونتگاه های خودروی موجود بوده است و تنها راه حل مساله را در تغییر ساختار حاکم برکار، تولید، توزیع و مصرف از دیدگاه اقتصادی سیاسی یعنی ساخت اقتصادی و نیز تغییر بنیادین جوامع می دانند (شیخی، ۱۳۸۱، ص ۳۸). اکثر نظریه-پردازان ایران نیز با پیروی از این دیدگاه، توسعه برون زا و عامل فقر اقتصادی را متغیر اصلی شکل گیری چنین سکونتگاه ها می دانند. تجربه نشان داده است که به فرض تحقق کامل چنین تغییرات بنیادین، نیاز به زمان طولانی دارد و نمی توان پاسخگویی به مشکلات و مسائل را به آینده ای مبهم محول کرد (شیخی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷).

بر اساس مطالب گفته شده، نوعی تغییر نگاه (پارادایمی) به نوسازی در مقیاس جهانی بوقوع پیوسته و نوسازی از یک پروژه کالبدی به یک فرآیند اجتماعی و اقتصادی پیچیده تبدیل شده است. در تبیین الگوی مدیریت نوسازی این تحول گسترده را موردتوجه قرارگرفته و نظامی طراحی شده که در آن کلیه نقش آفرینان نوسازی با انگیزه تولید ثروت در بافتهای فرسوده به صورت ارگانیک به فعالیت پرداخته که در نتیجه آن ضمن تولید ثروت در بافتهای فرسوده کیفیت زندگی و شاخص های فرهنگی و اجتماعی نیز دچار تحول می شود.

توانمندسازی زنان

زنان به عنوان نیمی از جمعیت فعال کشور دارای نقش روزافزون و فزآینده ای در فعالیت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند و نقش تعیین کننده ای در بهبود و ارتقای رشد و توسعه اقتصادی ایفا می کنند. در جامعه اسلامی اشتغال یکی از حقوق اجتماعی زنان به شمار می آید؛ به گونه ای که آنان با انتخاب شغل مناسب با ظرفیتهای خود، آزاد باشند علاوه بر بهره مندی از مزایای حاصل از تلاش خود، در سازندگی اجتماع نیز سهیم باشند. اشتغال اثرات مثبت بسیاری برای خانواده و اجتماع دارد، به طوری که ضمن فراهم نمودن رضایت روحی و روانی، افزایش رفاه و ارتقاء سطح فرهنگی خانواده، موجب بهره مندی جامعه از توان و تخصص زنان نیز می شود؛ اما دستیابی به این مهم و جلوگیری از اثرات منفی اشتغال زنان، نیازمند برنامه ریزی دقیق

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

بـا هماهنگـی و همراهـی اعضای خانـواده اسـت که به طـور یقین توجـه به آموزه هـای دینـی و بهره گیری از تعالیم اسـلامی، می تواند راه گشـای بسـیارخوبی جهت موفقیـت هرچـه بیشـتر زنـان در عرصـه فعالیت هـای اجتماعـی و اشـتغال باشـد (آیـت الهـی، ۱۳۸۱). زنـان سرپرسـت خانـوار گروهـی از زنـان هسـتند کـه مسـئولیت تامیـن معـاش افـراد دیگـری را برعهـده دارنـد و بنـا بـر دلایل مختلف بـار زندگی بـر دوش آنها افتـاده و مسـئولیت خانـواده بر عهده آنهاسـت. مطالعه کشـورهای مترقـی جهـان بیانگر این واقعیت اسـت که ایـن کشـورها از ایـن منبـع عظیـم نیـروی انسـانی در همـه ابعـاد، بسـیار فراتر از کشـورهای در حال توسـعه هسـتند و از تـوان فکری و عملـی آن در جهت افزایش رشـد و توسـعه جامعـه خـود بهره مـی جویند.

زنان سرپرست خانوار

منظـور از سرپرسـت خانـوار یکـی از اعضـای خانـوار اسـت کـه درخانـوار بـه ایـن عنـوان شـناخته مـی شـود؛ درصورتـی کـه اعضـای خانـوار قـادر بـه تعییـن سرپرسـت خانـوار نباشـند، مسـن ترین عضـو خانـوار بـه عنـوان سرپرسـت خانـوار تلقی می شـود (سـالنامه آمـاری مرکـز آمـار ایـران، ۱۳۸۵). زنـان سرپرسـت خانـوار، زنانـی هسـتند که عواملـی مانند طـلاق، فوت و یـا اعتیـاد همسـر، ازکارافتادگی او، رهاشـدن توسـط مـردان مهاجـر و یـا دیگـر مـوارد موجـب می‌شـود کـه مسـئولیت و سرپرسـتی خانـواده بـه دوش آن هـا بیفتـد. زنـان سرپرسـت خانوار، شـامل زنان بیـوه، زنان مطلقـه (اعـم از زنـانی کـه پـس از طلاق بـه تنهایی زندگـی می کننـد و یـا بـه خانـه پـدری بازگشـته ولی خـود امـرار معـاش می کنند)،همسـران مـردان معتاد، همسـران مـردان زندانـی، همسـران مـردان بیـکار ، همسـران مـردان مهاجـر ، همسـران مردانـی کـه در نظـام وظیفـه مشـغول خدمـت هسـتند. بسـیاری از زنـان خودسرپرسـت (زنـان سـالمند تنهـا)، دختـران خودسرپرسـت (دختـران بـی سرپرسـتی کـه هرگـز ازدواج نکـرده انـد)، همسـران مـردان ازکارافتـاده و سـالمند می شـود (قدیـر، ۱۳۸۰). مطالعـات آمـاری اخیـر در دنیا نشـان دهنده افزایش تعـداد خانواده هایی اسـت که به وسـیله زنان اداره می شـوند؛ بویژه از سـال ۱۹۸۰ کـه تعـداد خانواده هـای زن سرپرسـت افزایـش یافتـه اسـت. در اروپـای غربـی درصـد خانواده های زن سرپرسـت بـه کل خانواده هـا از ۲۴ درصـد در سـال ۱۹۸۰ بـه ۳۱ درصـد در سـال ۱۹۹۰ افزایـش یافتـه اسـت. در کشـورهای در حال توسـعه نیز بین ۲۰ تا ۵۰ درصـد کل خانـواده هـا به وسـیله زنان اداره می شـوند (فـروزان و بیگلریـان، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در سـال ۱۳۷۵، ۴/۸ درصـد خانوارهـای ایرانی زن سرپرسـت بودند، این در حالی اسـت که در سـال ۱۳۸۵ تعـداد خانوارهای با سرپرسـت زن بـه ۵/۹ درصـد کل خانوارها رسـیده اند. سرپرسـت خانـوار بـودن موقعیتی سـت که صـرف قرار گرفتـن در آن مـی تواند تبعات و مشـکلات خاص خود را ایجـاد کنـد. در فصلنامـه مطالعـات فرهنگـی زنان و خانـواده در تعریـف این موقعیت آسـیب زا آمده اسـت: عنـوان سرپرسـت خانـوار بـه یکـی از اعضـای خانـوار، کـه در خانـواده بـا ایـن مسـئولیت شـناخته می شـود اطـلاق می گـردد. در صورتـی کـه اعضـای خانـوار قادر بـه تعییـن سرپرسـت خود نباشـند مسـن تریـن عضو خانـوار بـه عنوان سرپرسـت خانوار شـناخته می شـود. در خانـواده معمـولاً پـدر سرپرسـت خانوار می باشـد و در صـورت نبـود پدر (فـوت، طلاق و...) مادر سرپرسـت خانـوار محسـوب مـی شـود. در گذشـته خانواده هایـی کـه بـا سرپرسـتی زنـان اداره می شـد در جامعـه بـه خانواده بی سرپرسـت شـهرت داشـتند. متاسـفانه هنوز هـم در برخـی مـوارد از ایـن ادبیات نادرسـت اسـتفاده می شـود. انـواع زنـان سرپرسـت خانـوار شـامل: زنـان بیـوه، زنـان مطلقـه (اعـم از زنانـی که پـس از طلاق به تنهایـی زندگـی می کننـد و یا به خانه پدری بازگشـته ولـی خـود امـرار معـاش مـی کننـد)، همسـران مردان معتـاد، همسـران مردان زندانی، همسـران مردان بیکار، همسـران مردان مهاجر، همسـران مردانی کـه در نظام وظیفه مشـغول خدمـت هسـتند، زنان خودسرپرسـت (زنان سـالمند تنهـا)، دختران خودسرپرسـت (دختران بـی سرپرسـتی کـه هرگـز ازدواج نکرده اند)، همسـران

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مـردان از کار افتـاده و سـالمند، مـی شـوند. آمارهـا و اطلاعـات ذکـر شـده نشـان مـی دهـد کـه پدیـده زنـان سرپرسـت خانـوار، یـک پدیـده در حـال رشـد و توسـعه‌ای اسـت کـه بـه مـوازات ایـن رشـد ارقامـی، مشـکلات و مسـائل عدیـده ای به بـار خواهـد آورد که در صـورت عـدم برنامـه ریزی هـای مناسـب، تبعاتـش دامنگیـر همـه جامعـه خواهد شـد.

سرپرسـت خانـواده بـه کسـی اطـلاق می شـود که که قـدرت قابـل ملاحظـه‌ای در مقایسـه بـا سـایر اعضای خانـواده دارد معمـولاً مسـن ترین فـرد خانـواده اسـت و مسـئولیت های اقتصـادی خانـواده بـه عهـده وی می باشـد. بـر مبنـای تعریـف سـازمان بهزیسـتی زنان سرپرسـت خانـوار زنانـی هسـتند کـه عهـده دار تامین معـاش مـادی و معنـوی خـود و اعضـای خانـوار مـی باشـد (خسـروی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). در یک دسـته بندی خانوارهـای دارای سرپرسـت زن بـه چنـد گـروه عمده تقسـیم شـده اند:

۱. گـروه اول: خانوارهای هسـتند کـه در آنها مرد بطور دائمـی حضـور نـدارد و زنـان بـه دلیـل فوت همسـر یا طـلاق بیوه شـده انـد یا دختـرانـی که ازدواج نکـرده اند تنهـا زندگـی می کنند.

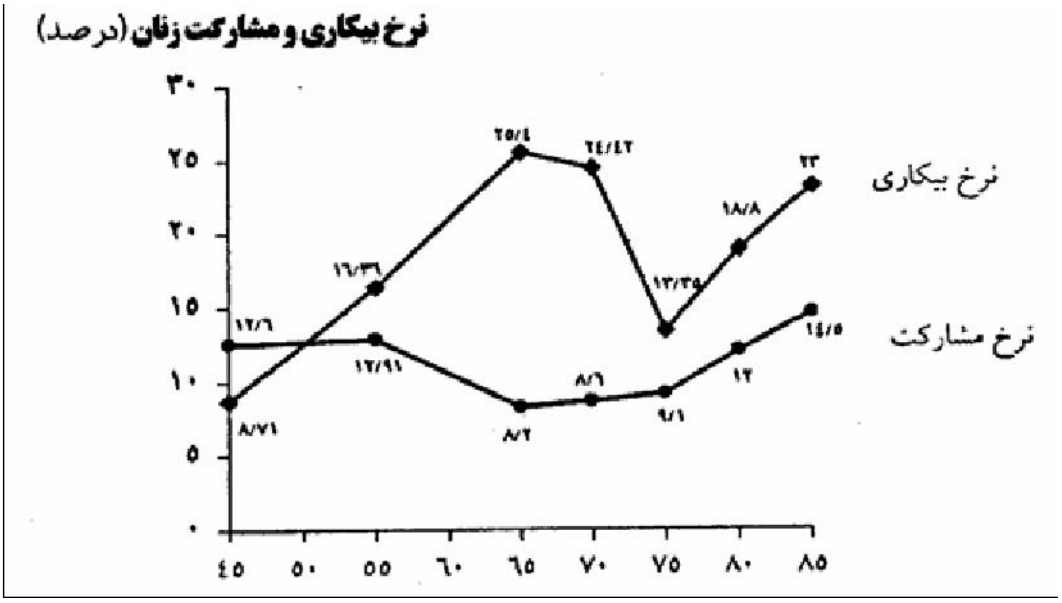
۲. گـروه دوم: خانواده هـای هسـتند کـه مـرد بطـور موقـت بـه دلیـل مهاجـرت، مفقـود الاثـر بـودن، و متـواری بـودن یـا زندانی بودن و یا سـرباز بـودن غایب هسـتند زنـان مجبور بـه تامین معـاش زندگـی خود و فرزندانشـان هسـتند.

۳. گـروه سـوم: خانوارهـای هسـتند که مـرد حضور دارد ولـی بـه علت بیـکاری و از کارافتادگـی و یا اعتیاد در امـر معـاش نقش نـدارد و عملاً زن سرپرسـتی را بر عهده دارد.

پذیرش سرپرستی خانوار از سوی زنان

مهم تریـن علل عهده دار شـدن سرپرسـتی خانـواده به وسـیله زنـان در دنیـا عبارتنـد از: مهاجـرت سرپرسـت مـرد، طـلاق، تـرک خانـواده، بیـوه شـدن، مـادران نوجـوان بـدون همسـر و شـاید بیـش از همه ایـن باور کـه هرچـه پیش آید مسـئولیت اداره و تامیـن فرزندان بـا مادران اسـت (فـروزان و بیگلریـان، ۱۳۸۲، ص ۴۲). در ایـران ۸۳ درصـد زنـان سرپرسـت بـه علـت فـوت همسـر عهـده دار مسـئولیت خانـواده شـده اند، طـلاق و جدائـی بـا سـهمی حـدود ۷ درصـد در مرتبـه دوم قـرار دارد، زنانـی کـه بـه دلیـل از کار افتادگـی مـرد سرپرسـتی خانـوار را برعهـده دارنـد فقـط ۰/۵ درصـد از کل خانوارهـای زن سرپرسـت را تشـکیل می دهنـد. مقایسـه ارقـام کل کشـور و آمـار مربوط بـه خانوارهای زن سرپرسـت زیـر پوشـش سـازمان بهزیسـتی نشـان می دهـد کـه سـهم از کار افتادگـی درایـن گـروه بسـیار بیشـتر از ۱۹ درصـد اسـت به‌نظـر می رسـد تعریـف رسـمی مرکز آمـار ایـران از مفهوم "سرپرسـت خانـوار" موجب کم شـماری و نادیده انگاشـتن بخشـی از خانوارهـای زن سرپرسـت شده اسـت (شـادی طلـب و گرائـی نـژاد، ۱۳۸۳، ص ۵۶). از سـایر عوامـل موثـر بـر وقـوع پدیـده زنـان سرپرسـت خانـوار می تـوان بـه حـوادث و مصیبتهـای اجتماعی از قبیـل انقلاب، جنگ هشت سـاله و ناامنی های شـغلی و ترافیکی در شـهرها و جاده هـا اشـاره کـرد کـه قربانیـان خـود را عمدتـاً از مـردان می گیـرد. مـرگ زودهنـگام مردان نیـز از دیگر دلایـل تحمیـل سرپرسـتی خانـوار بر دوش زنان اسـت بی آنکـه مقدمـات و آموزش هـا و سـازوکارهای لازم پیش بینـی شـده باشـد. یکی دیگـر از دلایل گسـترش پدیـده سرپرسـتی خانـوار توسـط زنـان وجـود ایـن گرایـش فرهنگی و سـنتی اسـت که از یک سـو مردان بی همسـر (خـواه مجـرد و خواه بی همسـر بـر اثر فوت همسـر یا طـلاق) بندرت بـه همسـرگزینی از بین زنان بی همسـر روی آورده و به‌دلائلـی چـون عـدم قبـول مسـئولیت معـاش فرزنـدان آنهـا و میـل بـه ازدواج بـا دختـران مجـرد به سـراغ این گـروه نمی روند. از سـوی دیگـر زنـان بی همسـر نیـز گاه بـه دلیـل وفـاداری بـه شـوهر متوفـای خـود یـا تـرس از آزار کودکانشـان در ازدواج مجـدد و گاه بـه دلیـل آزادی بیشـتر نسـبت به زمـان تاهـل تن بـه ازدواج مجـدد نمی دهند (فـروزان، ۱۳۷۹).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۱. مقایسه نرخ مشارکت و نرخ بیکاری زنان به درصد؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مرکز آمار ایران.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۹ تابستان ۹۴
No.39 Summer 2015

مشکلات زنان سرپرست خانوار

فقر، نداشتن شغل، انزوای اجتماعی، ترس و نگرانی از آینده مبهم، محدودیت شرایط اجتماعی، ناکافی بودن حمایت‌های مالی و معنوی دولت، محدودیت خدمات بیمه ای و نبود تأمین اجتماعی کافی از جمله مشکلات عدیده‌ای است که این زنان با آن دست به گریبانند. همچنین نگرش منفی جامعه به ازدواج مجدد این زنان، درگیری با خانواده همسر و خانواده فرزندان ازدواج کرده و نا امنی جامعه نیز از جمله دیگر عواملی است که این زنان در زندگی هر روزه خود با آن روبرو می‌شوند[1] (Chant, ۱۹۹۷).

در سرشماری سال ۱۳۷۵، یک میلیون و ۳۵ هزار زن سرپرست خانوار در کشور بود که تعداد آن ها در سال ۱۳۸۵ به یک میلیون و ۶۴۱ هزار نفر رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵)؛ در حالی که اگر قرار بود روند رشد آنها همان روند سال‌های گذشته را طی کند در سال ۸۵ باید یک میلیون و ۲۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور می‌داشتیم که تعداد بیشتری از رقم پیش بینی شده است. رشد زنان سرپرست خانوار ۳۵ درصد بیشتر از رشد مورد انتظار بوده است که به منزله هشدار است و باید برنامه‌ریزی دقیقی برای آن ها شود اما متاسفانه توجهی به این مساله نمی‌شود. ۸۰ درصد زنان سرپرست خانوار، خانه‌دار هستند، بنابراین مستمری نهادهای حمایتی به هیچ عنوان جواب گوی نیازهای آنها نیست، در عین حال سوءتغذیه بالایی در این نوع خانوارها مشاهده می‌شود. اینکه بیش از ۵۰ درصد خانوارهای زن سرپرست جزء فقیرترین گروه‌ها هستند نیز از موارد تأسف بار در وضعیت این زنان است. درصد قابل توجهی از خانوارها هم هستند که توسط زنان اداره می‌شوند اما در سرشماری رسمی مدیریت خانوار به‌شمار نمی‌آیند. در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار بیکار، زندانی، متواری و معتاد هستند سرپرست خانوار همچنان مرد اعلام می‌شود؛ درحالی که سرپرست و تامین کننده مخارج خانواده زن است اما چون در نظام خانواده های ما مرد سرپرست اصلی خانواده به شمار می آید ممکن است در سرشماری ها نیز به این نکته اشاره نشود.

اشتغال زنان

زنان اگرچه بیش از نیمی از جمعیت دنیا را تشکیل می دهند ولی سهم آنان از جمعیت اقتصادی حدود ۳۰% و در برخی کشورها بسیار کمتر از این رقم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برآورد می شود. در کشورهای در حال توسعه، برای زنان نسبت به مردان فرصت های شغلی کمتری فراهم آورده می-شود و دستمزد آنان در ازای کار برابر با مردان همواره کمتر بوده است. البته در سال های اخیر نگرش به زنان بسیار معقول شده و از این دیدگاه زنان نیز با تولید، مشارکت و برخورداری از امکانات به‌دست آمده در فرایند توسعه نقش قابل توجهی یافته‌اند و طبق نظرسنجی ها، عامل اقتصادی در اشتغال زنان، واجد بیشترین اهمیت است (بامداد، ۱۳۷۶).

به‌طور معمول فعالیت‌های اقتصادی زنان در بخش های رسمی اشتغال نامیده می شود. منظور از بخش رسمی اقتصاد، صنعت، خدمات و آن بخش از کشاورزی است که دارای نیروی کار مزدبگیر باشد. در این بخش زنان از حمایت قانونی بیشتری برخوردارند. بخش غیررسمی شامل کارهای گوناگونی مانند کارهای خانگی وخانه داری، پرورش فرزند، فعالیت زنان روستایی در بخش کشاورزی معیشتی می شود. به طور معمول کار در بخش غیررسمی اشتغال و کار محسوب نمی شود. امروزه در جوامع غربی آن چنان به اشتغال زن در خارج از خانه توجه می شود که این امر به عنوان اولین و مهمترین نقش زن مطرح شده است و نقش مادری و همسری و ادامه سنتهای فرهنگی به عنوان نقش دوم و فرعی مد نظر قرار می گیرد (خواجه نوری و دیگران، ۱۳۸۴، ص۱۳۶). اما در تفکر اسلامی، حفظ وگسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگیهای فطری و طبیعی زن و مرد ، اولویت و اهمیت خاصی دارد و درکنار آن بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تاکید شده است؛ به همین سبب است که اسلام اشتغال را برای زن هدف نمی داند بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می پذیرد و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد انسان ها از جمله زنان و در جهت تعالی و کمال آنان می پذیرد.

عوامل موثر بر توانمندسازی زنان عبارتند از:

۱. بر شرم بی مورد خود فایق گردند.

۲. کردار و گفتار آمیخته با اعتماد به نفس و حاکی از اطمینان داشته باشند.

۳. قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند.

۴. به استعدادها و محدودیت های درونی خویش آگاه باشند.

۵. قدرت رویارویی با مشکلات را داشته و ضمن مقابله، در رفع آنها کوشش نمایند.

۶. شناخت دقیق از اهداف مورد نظر و توان عملی ساختن آن را داشته باشند.

۷. اعتقاد به توانایی و قابلیت درونی رسیدن به خواست های خود را دارا باشند و بالاخره با افزایش توانمندی قادر به دستیابی به اهداف مورد نظر خود شوند (فرخی، ۱۳۷۶، ص۷۶).

«سارا لانگه» (۱۳۷۲) مساوات بین زنان و مردان را محور تعریف توسعه امور زنان دانسته و فرایند توسعهٔ امور زنان را در پنج مرحله از برابری می داند. او تأکید می کند که توانمندسازی نه تنها ناشی از کسب برابری است، بلکه به همان میزان برای تعقیب اهداف برابری ضرورت دارد. مراحل برابری از نظر او عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت، کنترل. این مراحل نشان می دهند که مدارج بالای برابری خود به خود به عنوان مدارج بالای توسعه و توانمندسازی به شمار می آیند. این مراحل عبارتند از:

۱. «رفاه»: در این مرحله، مسایل رفاه مادی زنان

۱. برایسکو در بررسی ۳۹ مورد از زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان این گروه، از بیماری‌های روانی رنج می‌برند که عمده‌ترین آنها با طلاق همبستگی نزدیک دارد که شامل اختلالات عاطفی، شخصیت ضد اجتماعی و هیستری می‌باشد (خسروی، ۱۳۷۴). پارکز با اشاره به افزایش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، افسردگی و خودکشی در زنان بیوه را گزارش داده است که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده‌اند که شاید بتوان افزایش این نوع رفتارهای خود تخریب‌گرایانه را حاصل افسردگی دانست. ظهور علائم روانپزشکی (کلایتون، ۱۹۷۴؛ پارکز ۱۹۶۴) ابتلا به بیماری‌های روانی (بلین، هاروت، ۱۹۸۵) آغاز استفاده از خدمات روانپزشکی برای بیماران سرپایی (رابرتسون ۱۹۷۴؛ اشتین و سومر ۱۹۶۹) و خودکشی (لوک و وبر، ۱۹۷۲؛ کوسنگ،۱۹۶۶؛ سی‌گول، ۱۹۶۹) همگی در بین زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، متداول‌تر از افراد متأهل بوده است ((خسروی، ۱۳۷۴، به نقل از مادیسون و ویلول‌ها، ۱۹۶۸).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

در مقایسه با مردان در مواردی مانند وضعیت تغذیه، تهیه موادغذایی ودرآمد مورد بررسی قرار می گیرد. زنان به عنون افرادی تصور می شوند که قادر نیستند در وضع خود تغییراتی بدهند و فقط از مزایای برنامه های رفاهی استفاده می کنند. این مرحله، مرحلهٔ صفر از مراحل توانمندسازی زنان به شمار می آید. فعالیت زنان برای پیشبرد رفاه مرد نسبت به مردان، آنان را درگیر فرایند توانمندسازی و درگیر مراحل بالای برابری می کند به عبارت دیگر اگر وضعیت رفاهی دختران به دلیل تبعیضات جنسیتی پایین است، پس توانمندسازی یعنی فایق آمدن بر این تبعیضات که از سطوح بالای برابری است. سرانجام آنکه برابری و توانمندسازی زنان باید به برابری رفاهی بیانجامد. مساله رفاه زنان بدون درنظر گرفتن مسایل جنسیتی به خودی خود هدف محسوب نمی گردد (فواصل جنسیتی در این مرحله به معنی فقدان رفاه برای زنان در مقایسه بامردان در مسائلی مانند وضعیت تغذیه، مرگ ومیر و غیره است.)

۲. «دسترسی»: «فواصل جنسیتی» در مرحله رفاهی به طور مستقیم از مسأله نابرابری دسترسی به منابع ناشی می گردد؛ فواصل جنسیتی در اینجا به معنی دسترسی کمتر زنان به منابع است. برابری در این مرحله به معنای این است که زنان دارای حق مساوی در دسترسی بر طبق اصول برابری باشند؛ دسترسی به عوامل تولید، آموزش، کارهای دست مزدساز، خدمات، آموزش های مهارت زا که استخدام و تولید را ممکن می سازند، حتی دسترسی به دسترنج خود. توانمندسازی به معنای داشتن حقی برابر برای دسترسی به منابع در حیطه ی خانواده و کشور است. توانمندسازی فقط دسترسی به منابع نیست؛ زنان برای دسترسی به منابع با تبعیضات حساب شده ای روبه رو می شوند که آداب و رسوم، قوانین اجتماعی برای آنها به وجود آورده است، در این مرحله توانمندسازی مرحله بالاتر آگاهی را در بر می گیرد.

۳. «آگاهی»: این مرحله از برابری شامل این است که زنان نابرابری های ساختاری را درک کنند. زنان باید درک کنند که مشکلات آنها ناشی از بی کفایتی ها و کمبودهای شخصی آنان نیست، بلکه این سیستم اجتماعی است که این تبعیض ها را بر آنها تحمیل کرده است. در این مرحله زنان باید تشخیص دهند و بدانند که نقش های جنسیتی به فرهنگ وابسته و قابل تغییر است. در این سطح برابری به معنای باور داشتن به برابری است. تقسیم کار بر حسب جنسیت در جامعه می بایست مطلوب هر دو طرف باشد. توانمندسازی یعنی دیدن جامعه از ورای فواصل جنسیتی و پس زدن آنها.

۴. «مشارکت»: مشارکت در اینجا به معنی مشارکت برابر زنان در تصمیم گیری است یعنی حضور زنان در تمام مراحل، بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه ریزی مدیریت، اجرا و ارزشیابی. برابری در مشارکت به معنی شرکت زنان در تمامی پروژه هایی که به آنان مربوط است و دخالت دادن آنها باید نسبت به تعدادشان باشد. چنین افزایش حضوری به منزله توانمندسازی و یک عامل بالقوه مشارکت به سوی افزایش سطح توانمندسازی است.

۵. «کنترل»: افزایش مشارکت زنان در حد تصمیم گیری، آنها را به سوی توسعه فزاینده سوق داده و تواناتر می نماید، به گونه-ای که این مشارکت برای کسب افزایش کنترل عوامل تولید و تضمین برابری دسترسی به منابع و توزیع عادلانهٔ منافع باشد. برابری در کنترل به معنای توازن قدرت بین زنان و مردان است و این به معنای آن است که هیچ کدام از آنها در مقام فرمان روایی نخواهند بود. «فواصل جنسیتی» شکلی از قدرت نابرابر بین زنان و مردان تلقی می شود؛ به عنوان مثال در اینجا، کنترل شوهر بر کار و درآمد همسرش، به این معناست که قدرت تولید زن ممکن است افزایش یابد ولی صرف تأمین رفاه خود و فرزندانش نشود. منظور از توانمندسازی تعویض مردسالاری به زن سالاری نیست بلکه بیشتر برای معرفی برابری جنسیتی در فرآیند توسعه است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

برابـری در کنتـرل بـرای اسـتفاده از سـود بـردن زنـان لازم اسـت (لانگـه، ۱۳۷۲، صـص ۳۲ - ۲۷).

نظریـات جامعه شناسـی درباره زنان سرپرسـت خانوار

الـف: نظریـه زنانه شـدن فقـر یا آسـیب پذیـری زنان سرپرسـت خانـوار؛ طرفداران این نظریه نشـان می دهد کـه خانـواده هایـی که سرپرسـتی آنـان بر عهـده زنان می باشـد نه تنها در همه کشـور های جهان گسـترش یافتـه انـد بلکه بـه درصد خانوار های سرپرسـت زن که جمعیـت کم درآمـد قـرار می گیرند افزوده شـده اسـت ایـن مسـئله حتـی درکشـورهایی کـه پیشـرفته ترین قوانین را به نفع زنان داشـته اند (کشـورهای فمینیسـم و یـا دارای سیاسـتهای موافق فمینیسـتی) دیده شـده اسـت در این کشـورها به رغـم کمکهای دولتـی به این زنـان فراینـد فقیر شـدن آنـان همچنـان ادامـه دارد از طرفـی مشـکلات ایـن زنان عدم دسترسـی به مشـاغل بـا منزلـت اجتماعـی بالا اسـت این زنـان یـا بیکارند یا مشـاغل نیمه وقت کـم درآمد دارند اگر مشـاغل دارای منزلـت بـالا باشـد مسـئله تنظیـم وقـت بـرای انجـام کار خانـه و کار بیـرون از خانـه اسـت ایـن مشـکل را صاحـب نظـران فقـر زمانی نامیـده اند و فقـر زمانی اگر بـا فقـر مادی همراه شـود آسـیب پذیـری این قشـر را دوچنـدان می کند (گیدنـز، ۱۹۸۹).

ب: نظریـه سـاختی کارکـردی؛ براسـاس ایـن نظریـه خانواده هـای زن سرپرسـت اساسـاً بـا شـکل طبـی و سـنتی خانوادهـای دو والـدی در تضـاد و پیدایـش این گونـه خانواده هـا نوعـی انحراف محسـوب می شـود. در ایـن خانواده هـا بـه علـت غیبـت پـدر و مـادر زندگـی زوجـی تاحدی کاهش می یابـد عـدم اقتدارپذیری پدر بـرای سـاماندهی زندگـی خانـواده بـا بحـران اقتصادی و اجتماعـی روبـرو می شـود بحرانـی کـه بـا ورود مادر بـه بـازار کار بـه جـای انجام وظیفه سـنتی خانـه داری شـروع شـده بـه وجـود می آیـد. براسـاس ایـن نظریـه طبقـه زیریـن از افـراد منـزوی تشـکیل شـده کـه در محـلات غیرسـازمان یافتـه سـاکن اند؛ در ایـن محلات حضـور خانوادهـای زن سرپرسـت میزان بـالای جنایت در ایـن محـلات، معامـلات مـواد مخدر، افـت تحصیلی تولدهـای نـا مشـروع و دریافـت کمـک هـای دولتـی شـایع است.

ج: نظریـه طبقاتـی و ناتوانـی دولت ها؛ صاحـب نظران در ایـن نظریـه معتقدنـد کـه فقـر و آسـیب پذیری مقولـه ای طبقاتـی اسـت نه جنسـیتی به عبـارت دیگر زنـان یـا تمـام زنـان سرپرسـت خانـوار در معـرض فقر و آسـیب پذیری نیسـتند بلکـه آن گروهـی کـه از نظر طبقاتـی در رده پاییـن اجتمـاع قـرار می گیرند بیشـتر در معـرض آسـیب هسـتند. بـه عقیـده طرفـداران این نظریـه مـردم بـه دلایـل سـن و جنـس یـا خصیصـه- هـای نـژادی و قومی شـان فقیـر نمی شـوند بلکـه بـه دلیـل قرارگرفتـن در طبقـه ای خـاص اسـت کـه فقیر و در وضعیـت اجتماعـی و اقتصـادی قـرار می گیرنـد و به شـمار می آینـد. مهمتریـن شـاخص تعییـن طبقـه عبـارت اسـت از: شـاخص درآمد، تحصیل، شـغل یعنی همه زنان آسـیب پذیر نیسـتند بلکه گروهی که درآمد کمتـر، تحصیـلات کمتر، شـغل کـم منزلت تـر دارند و در طبقـه پاییـن اجتمـاع قـرار دارند آسـیب پذیرند. به عقیـده این گـروه با بـزرگ کـردن آسـیب پذیری زنان سرپرسـت خانـواده زنـان در مقابـل مـردان پیـر جوان سـفید و سـیاه قـرار می گیرنـد. در واقع آسـیب پذیری زنـان سرپرسـت خانوار و همـه افراد بی بضاعـت فرایند اجتماعـی و اقتصـادی مشـترکی اسـت که همگـی آنها را از دسترسـی بـه شـرایط مناسـب محـروم می کنـد. ایـن شـرایط خانواده ها را ازهم می گسـلاند و تشـکیل خانـواده را بـا این شـرایط اجتماعی و اقتصادی مشـکل می کنـد.

د: نظریـه کنـش؛ برخـلاف نظریـه قبلـی کـه جنبـه سـاختاری و کلـی داشـت و بـا دیـد کلی و سـاختی به بررسـی مسـائل زنـان می پرداخـت طرفـداران نظریـه کنـش از جنبه دیگری بـه طرح مسـئله می پردازند. به نظـر آنـان اگرچـه خانوادهای زن سرپرسـت مشـکلات متعـددی دارنـد (بـه دلیـل تحصیـلات کـم و تبعیـض در بـازار کار) ولـی ایـن مسـئله بـه معنـای آن نیسـت کـه ایشـان مطلقـاً از ایـن شـرایط تاثیـر مـی گیرنـد و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

نمـی تواننـد بر مشـکلات خـود فایـق آیند. بـه عبارت دیگـر نمـی تـوان این گونـه از زنان قربانـی و منفعل در برابر شـرایط دانسـت بلکـه باید بـا بررسـی تجربه های شـخصی ایـن زنـان راههـای مبـارزه بـا شـرایط حاکم بـر زندگـی آنـان را از نزدیـک شـناخت. در برخـی از شـهرهای آفریقـای غربی زنان معتقدنـد در نبود مردان بهتـر میتواننـد خانواده را سـازماندهی کنند در مکزیک زنـان سرپرسـت خانـوار زندگی تنهـا را بهتـر از زندگی مـردان غیـر مسـئول مـی داننـد سـایر بررسـی ها نشـان میدهد کـه سرپرسـتی خانـواده در خانواده های زن سرپرسـت موجـب افزایـش اسـتقلال و آگاهـی طبقاتـی زنـان شـده اسـت. در حـوزه جامعـه شناسـی زنـان سرپرسـت بـا مسـائل و مشـکلاتی نظیـر عـدم دسترسـی به فرصتهای شـغلی مناسـب سـطوح پایین تـر تحصیـلات در بین فرزندان شـان افزایـش بزهکاری فقـر در ابعـاد مختلـف روبرو هسـتند. طرفـداران نظریه طبقاتـی نیـز اولا آسـیب پذیـری و فقر زنان سرپرسـت خانـوار را پدیـده ای عمومـی می داند ثانیـا علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سـرمایداری نسـبت میدهند؛ بنابراین در شـبکه خویشـاوندی و در ارتباط با اقـوام و آشـنایان ودر عین حال چگونگی گـذران اوقات فراغـت آنـان خلاءهـای جبـران ناپذیری بـه وجود می آیـد (رابرتسـون، ۱۳۷۲،۱۳۶).

از سـوی دیگـر بـا توجـه به دیـدگاه اقتصـادی وضعیت اشـتغال زنـان بعـد از فـوت شـوهر بـه دلیل وابسـتگی بـه او در زمـان حیـات و عـدم حمایـت سـازمان های از او دچـار مشـکلات عدیـدی می گـردد. در ایـن ارتبـاط موضـوع خـود اشـتغالی و کارافرینـی مطـرح می گردد کـه زنان سرپرسـت خانـوار می تواند با آمـوزش مهارت در نتیجـه افزایـش توانایی هـای خـود و دریافـت وام و اعطـای سـهام بـه آنهـا از سـوی سـازمان ها بـه نوعـی مـورد حمایـت قـرار گرفته و خودکفا شـوند. لـذا وقتی کشـوری می‌خواهـد بـر موانـع مرتبـط با فقر و توسـعه غلبـه کنـد، موضـوع توانمندسـازی و مشـارکت زنـان گامـی لازم بـرای قرارگرفتن در مسـیر توسـعه انسـانی و مدیریـت اسـتعدادها، اهـداف توسـعه هـزاره و سـایر رویکردهـا و اهـداف معتبـر جهانی محسـوب می‌شـود. از اینـرو توانمندسـازی زنـان از مباحـث حائـز اهمیـت در هـر جامعـه روبـه رشـدی می باشـد کـه بایـد به آن پرداخـت. توضیـح توانمندسـازی در بنـد چهار دسـتور العمـل توانمندسـازی تهیه‌شـده به وسـیله‌ی سـازمان ملـل متحـد، شـامل پنـج بخـش عمـده اسـت کـه عبارت‌انـد از:

۱.احساس ارزش داشتن؛
۲. حق مالکیت و تصمیم‌گیری؛
۳. حق دسترسی به فرصت‌ها و منابع؛
۴. حـق کنتـرل زندگـی خود در داخل و بیـرون از خانه و
۵. قـدرت تأثیرگـذاری بـر جریـان تغییـرات اجتماعـی بـرای بـه وجـود آوردن نظـام عادلانه‌تـر اقتصـادی اجتماعـی در محـدوده‌ی ملـی و جهانـی.

تغییـر کاربـری بافتهـای فرسـوده بـه مراکـز فرهنگـی – اقتصـادی زنـان (شـهربانو)

از جملـه اقدامات بهزیسـتی اجرای طرح توانمندسـازی زنـان سرپرسـت خانوار بـا افزایش توانایی‌هـای فردی و جمعـی زنـان از طریق فراهـم کردن ضوابـط و امکانات لازم بـه منظـور بهبـود دسترسـی زنان بـه فرصت‌های اقتصـادی، اجتماعـی، منابـع فرهنگـی و بـازار اشـتغال می‌باشـد. خدمـات مـورد نظـر دراین طـرح شـامل پرداخـت مسـتمری و کمـک هزینـه جهت وام مسـکن و اشـتغال، اجـرا و تقویـت برنامه‌هـای کاریابـی، تقویت خدمـات بیمه‌ای، خدمات مشـاوره و مددکاری، آموزش مهارت‌هـای زندگـی، ارتقـای آگاهی‌هـای عمومـی، اصـلاح باورهـای نادرسـت در مـورد زنـان سرپرسـت خانـوار بـوده اسـت. در ایـن زمینه مـوارد زیـر ضروری بنظـر می رسـد: «آمـوزش مهارت‌های شـغلی و اجرای برنامه‌هـای آموزش‌هـای حرفـه‌ای بـرای زنان بیـکار یا جویای کار سرپرسـت خانوار به منظور برخورداری آنان از دانـش و مهارت‌هـای جدیـد و افزایـش فرصت‌هـای شـغلی آنـان؛ ایجـاد تعاونی‌هـای تولید و خدمـات ویژه زنـان سرپرسـت خانـوار؛ اتخـاذ تمهیـدات لازم نظیـر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

اجـاره بـه شـرط تملیـک و وام مسـکن و وام اجـاره مسـکن جهـت حـل مشـکل مسـکن زنـان سرپرسـت خانـوار؛ اعطـای کمک‌هـای بلاعـوض، بـن ارزاق، طرح اکـرام، تهیـه سـبد غذایـی رایـگان بـرای زنـان نیازمند سرپرسـت خانـوار بـا لحـاظ اصـل حفـظ کرامـت آنان؛ اختصـاص بازارچه‌هـای دائمـی خوداشـتغالی ویژه زنان سرپرسـت خانـوار؛ ایجـاد بنگاه‌هـای کوچـک زودبازده جهـت اشـتغال زنـان سرپرسـت خانـوار ترجیحاً بـا مدیریـت زنـان؛ گسـترش اشـتغال خانگـی زنـان سرپرسـت خانوار از طریق شناسـایی و آموزش مشـاغل خانگـی درآمـدزا بـه منظـور اختصـاص فرصـت کافـی بـرای تربیـت فرزنـدان آنها؛ ضـرورت تأسـیس صندوق حمایـت از زنـان بی‌سرپرسـت و سرپرسـت خانـوار در جهت اسـتقلال و خودکفایی آنها؛ ایجاد مراکز مشـاوره و امـکان بهره‌منـدی از خدمات مشـاوره‌ای رایگان برای خانواده‌هـای زن سرپرسـت؛ برگـزاری جشـنواره‌های خـاص جهت تمجیـد از زحمات زنان سرپرسـت خانوار شـاغل جهـت حفـظ کانـون خانـواده؛ ارائـه کمک‌های مختلـف اقتصـادی با لحـاظ حفظ، عـزت و حرمت زنان سرپرسـت خانـوار؛ ارائـه خدمـات آموزشـی، تربیتـی و مشـاوره ویـژه فرزنـدان زنـان سرپرسـت خانـوار؛ ایجاد انگیـزه جهـت ارتقـای دانـش و سـواد در بیـن زنـان سرپرسـت خانـوار؛ فرهنگ‌سـازی در خانواده‌هـا جهـت حمایـت از زنان سرپرسـت خانوار در کنـار حمایت‌های پدرشـوهر و قیـم قانونـی؛ بـاز تعریـف واژه زنـان سرپرسـت خانوار از سـوی مرکـز آمار ایـران جهت رفع معضـل کم شـماری خانوارهای زن سرپرسـت؛ آموزش مهارت‌هـای شـغلی و حرفه‌ای جهت کاریابی و اشـتغال زنـان جویـای کار سرپرسـت خانوار؛ ارتقـای اطلاعات و آگاهی‌هـا و آمـوزش زنـان سرپرسـت خانـوار و فرزندان آنهـا؛ آمـوزش مهارت‌هـای زندگـی در مواجهـه بـا بحران‌هـای زندگـی.»

شـایان ذکـر اسـت کـه همه مـوارد فـوق نیازمنـد وجو مراکـزی اجتماعـی و اقتصـادی و فرهنگی بـرای بانوان و خاصـه زنـان سرپرسـت خانـوار اسـت کـه ضـرورت درنظرگرفتـن تغییر کاربـری فضایی برای این اقشـار را مـورد تاکیـد قرار مـی دهـد؛ چنانچه شـهرداری تهران در مجموعـه هایـی تحـت عنوان شـهربانو بـه این مهم همت گماشـته اسـت.

مرکز امور بانوان شهرداری تهران

شـهرداری تهران و بالاخص مرکز امور بانوان شـهرداری تهـران بـا ایجاد رویکـردی جدید و توجه گسـترده تری بـه حضـور فرهنگـی و اجتماعی خـود در شـهر تهران، سـعی در بهبـود و ارتقـاء سـطح فرهنگـی و اجتماعـی بانـوان شـهر تهـران نمـوده اسـت و بـا نهادسـازی در حـوزه زنـان، توانمندسـازی و توان افزایـی، زمینه هـای لازم بـرای مشـارکت زنـان در عرصه هـای اجتماعـی و فرهنگـی شـهر تهران نمـوده اسـت. در ادامه به اسـناد فرادسـتی و مصوب شهرداری و چشـم انداز شهرداری و تدابیـر شـهرداری تهـران در رابطه به ارتقـا جایگاه زنان در حـوزه مدیریتـی و خدمات رسـانی بـه ایـن قشـر به اختصـار اشـاره می شـود. بـر اسـاس برنامه پنج سـاله شـهرداری تهران مـورخ ۰۹/۱۱/ ۸۸ بنـد ۷ برنامه های مرتبـط بـا راهبـرد چهـارم سـند طـرح جامـع شـهر تهـران، شـهرداری موظـف اسـت بـه منظـور حمایـت از توانمندسـازی زنـان سرپرسـت خانـوار، دختـران و کـودکان در معرض آسـیب و آسـیب دیـده اجتماعی و سـالمندان نسـبت بـه تهیه و ارایـه برنامه مشـخص در راسـتای موارد ذیـل اقـدام نماید:

۱. حمایـت و توانمندسـازی زنان و دختـران در معرض آسـیب و آسـیب دیده با همکاری سـازمانهای دولتی و غیر دولتی مسـئول.

۲. حمایت از ظرفیت سـازی سـازمان هـای غیر دولتی، نهادهـای مدنـی و کانـون هـای زنان بـه منظـور ارتقاء توانمنـدی آنـان در حمایـت از زنـان و دختـران در معـرض آسـیب و آسـیب دیده.

۳. گسـتـرش واحدهـای مشـاوره روانـی و حقوقـی در مراکـز مهـارت آموزی.

۴. گسـترش آمـوزش هـای فنـی و حرفهـای و مهـارت هـای زندگـی بـه زنـان و دختران.

۵. ارایـه طـرح جامـع مداخـلات شـهرداری بـه عنـوان سـهم و مشـارکت شـهرداری تهـران در تأمین مسـکن

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

حمایتی زنان سرپرست خانوار.

تدابیر شهرداری تهران بر اساس چشم انداز سند توسعه پنج ساله نیز عبارت است از: انتصاب مشاور شهردار در امور بانوان؛ تشکیل اداره کل امور بانوان؛ تشکیل اداره امور بانوان در مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران؛ تشکیل ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار؛ انتصاب مشاور شهرداران مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در امور بانوان؛ تعیین نمایندگان امور بانوان در تمامی واحدهای تابعه شهرداری؛ تعیین مشاوران امور بانوان در سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری؛ تشکیل شورای راهبردی امور بانوان و کمیته های تخصصی؛ تشکیل و راه اندازی خانه های تسنیم در سطح محلات؛ ایجاد کانون های بانوان و شناسایی و جلب مشارکت ذینفعان محلی، سازمان های اجتماع محور و گروه های همیاری اجتماعی بانوان محلات. در ادامه ساختار عملکردی شهرداری تهران در حوزه زنان مورد اشاره قرار می گیرد.

سرانه دوره های آموزشی برای بانوان سرپرست: باید گفت که مناطق ۱۱، ۲۱ و ۳ به ترتیب بیشترین و مناطق ۱۹، ۲۰ و ۸ کمترین میزان را به خود تخصیص داده اند. در کل باید گفت که ضریب چولگی پرش در میزان خدمات رسانی نشان از آن دارد که تعادل لازم در این رابطه در سطوح خدمات رسانی به بانوان در حوزه برگزاری دوره های اموزشی و آموزش بانوان شهر تهران در مناطق ۲۲ گانه دیده نمی شود.

ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های بانوان: در این رابطه با وجود خدمات ارزنده در ایجاد مجموعه های فرهنگی برای زنان لیکن هیچ گونه تعادلی در انتخاب و ارائه خدمات دیده نمی شود؛ چنانچه تنها ۹ مجموعه شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ ایجاد شده است که در مناطق دیگر این موضوع مغفول مانده است. لذا دیگر مناطق که مشتکل بر ۱۳ منطقه هستند از این مجموعه ها محروم مانده اند.

ایجاد، تجهیز و توسعه پارک های بانوان: توسعه پارکها و پردیسهای درون شهری برای بانوان در مناطق کلانشهری از زمره موارد مهمی است که باتوجه به گمبود فضاهای تحصیص یافته به زنان در شهر، معنادار نشان می دهد. ایجاد پارک بانوان در مناطق ۳، ۱۵، ۱۸ تنها موردی بوده است که در اداره کل اموربانوان مورد توجه بوده است و دیگر مناطق در این رابطه به دلایل متعدد مغفول مانده اند. لذا در مناطق محروم پایین شهر زنان شهروند از عدالت لازم در برخورداری از فضاهای سبز و پارکهای درون شهری برخوردار نبوده اند.

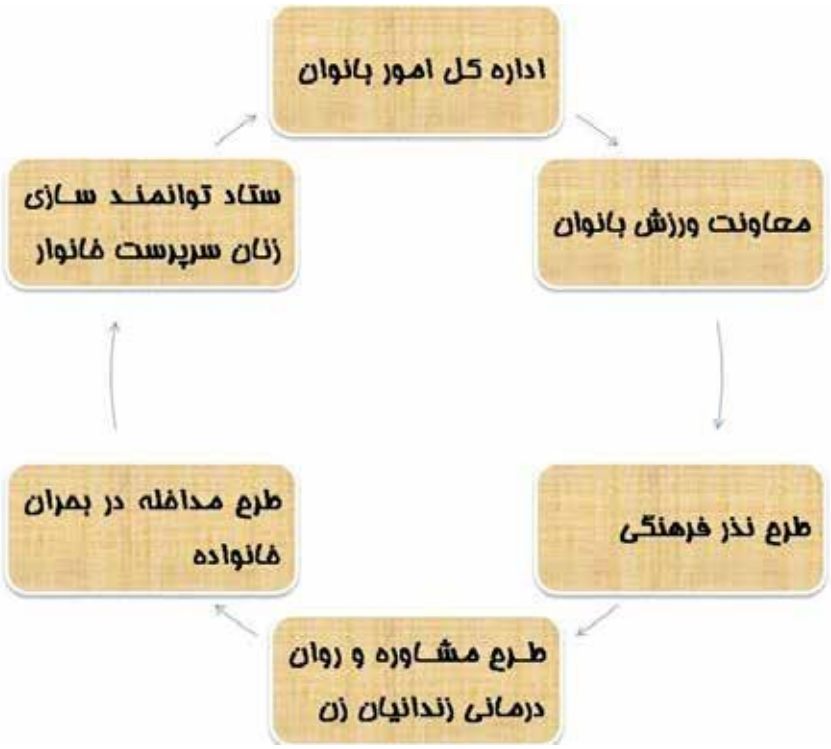
تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان: در رابطه با کتابخانه ها و مراکز فرهنگی برای بانوان نیز باید گفت که پراکنش مراکز فرهنگی و کتابخانه ها برای زنان نشان از آن دارد که در این رابطه هم عدالت دیده نمی شود. تنها تجهیز کتابخانه های مناطق ۱، ۲، ۳، ۶، ۸، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰ مورد توجه بوده است و ۱۱ منطقه دیگر مورد توجه قرار نگرفته اند، هرچند که برخی از آنها قبلاً از این مراکز برخوردار بوده اند.

خدمات رسانی و برنامه های ورزش بانوان: اقدامات شهرداری در این رابطه عبارتند از: مسابقات ورزش محلات؛ ایستگاه های تندرستی؛ آموزش ورزش شهروندی؛ مسابقات ورزش کارکنان؛ نمایشگاه ورزش شهروندی.

توانمندسازی زنان شهروند تهرانی

ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۲. ساختار عملکرد شهرداری تهران در حوزه زنان؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گزارش امور بانوان شهرداری تهران.

به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

اقدامات شهرداری تهران در حوزه زنان

بر اساس سرشماری سال ۸۹، جمعیت بانوان شهر تهران ۴۰۶۰۷۴۴ نفر می باشد. جدول تفکیکی جمعیت بانوان شهر تهران بر اساس گروه های سنی مختلف به شرح زیر است:

اداره کل امور بانوان فعالیت های خود را بر رویکردهای زیر با تمرکز بر ماموریت تعمیق مبانی دینی دنبال کرده است.

۱.«تحکیم و اعتلاء بنیان خانواده»: این اقدامات شهرداری عبارتند از: طرح‌های اجتماع محور در حوزه خانواده؛ طرح‌های فرهنگی، آموزشی و ترویجی؛ اقدامات مطالعاتی و پژوهشی؛ اقدامات زیرساختی[1]؛ اجرای برنامه های اجتماع محور در حوزه آسیب شناسی؛ مشتمل بر: طرح پیشگیری از آسیب های اجتماعی، طرح کاهش خطرپذیری.

۲.«ترویج سبک زندگی اسلامی در حوزه زنان»: اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات مطالعاتی، پژوهشی و راهبردی؛ طرح های فرهنگی و اجتماعی؛ اقدامات فرهنگی و ترویجی.

۳.«ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی»: این اقدامات عبارتند از: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ و ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی.

۴.«توانمندسازی و ارتقاء قابلیت های بانوان» مشتمل بر: ۱. اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ ۲. اقدامات فرهنگی، آموزشی و ترویجی. زمینه سازی به منظور جلب مشارکتها و ارتقاء سرمایه اجتماعی بانوان: اقدامات شهرداری تهران در این رابطه عبارتند از: اقدامات راهبردی و اجتماعی و فرهنگی؛ نهادسازی و جلب مشارکت شبکه های اجتماعی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

جدول ۵. جدول تفکیکی بانوان شهر تهران؛ ماخذ: نگارنده بر اساس مرکز آمار ایران، ۱۳۸۹.

کل جمعیت زنان	خردسالان و کودکان	نوجوانان و جوانان	بزرگسالان و میانسالان	سالمندان
۴۰۶۰۷۴۴	۴۹۲۲۵۸	۱۶۵۱۹۰۸	۱۵۸۲۲۰۶	۳۴۸۹۰۳

۵.«برنامه های معاونت ورزش شهرداری تهران»؛

۶. «توانمندسازی زنان شهروند تهرانی»: ستاد توانمندسازی در جهت توان افزایی زنان سرپرست خانوار اقداماتی را در حوزه اشتغال آفرینی، آموزشی، مشاوره، امور رفاهی و حمایتی انجام داده است. با ایجاد ۸۷ مرکز مهارت آموزی کوثر و تجهیز ۳۳ مرکز به کتابخانه و توسعه مشاغل خانگی و ایجاد اشتغال برای ۴۰۰۰ نفر در این مراکز در طی ۵ سال گذشته و هم چنین ایجاد بازارچه های دائم و فصلی در سطح شهر تهران و ایجاد اشتغال برای ۲۹۸۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، اقدامات مهمی را در جهت مشارکت زنان شهر تهران نموده است. لازم به ذکر است ۲۶۵۹۶ نفر ساعت مشاوره برای زنان و فرزندانشان انجام گردیده است.

یکی از مصادیق تغییر کاربری اراضی و بافتهای فرسوده ایجاد مراکز فرهنگی و اقتصادی به نام شهربانو است که در تعریف آن آمده است:

«شهربانو مرکزی زنانه است که سعی دارد بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشیِ زن مسلمان ایرانی را در یک محیط امن و سالم برآورده کند. شهربانو به عنوان مرکزی زنانه عهده دار ارایه خدمات مختلف به بانوان منطقه و فرزندان دخترشان است. علاوه بر این، ارتقاء سطح فرهنگی و اجتماعی بانوان منطقه از طریق ارایه خدمات مشاوره ای، کلاس ها و بروشورهای آموزشی، ترویج فرهنگ ورزش، ایجاد بسترهای مناسب جهت کسب مهارت های تولیدی با رویکرد اشتغال زایی به منظور ارتقاء فرهنگ تولید در خانواده و جامعه از دیگر زمینه هایی است که مراکز شهربانو در آن فعالیت می کنند. ارایه تسهیلات برای مشاغل خانگی از طریق راه اندازی بازارچه های کوثر، تلاش در جهت ارتقاء فرهنگ معنوی و اخلاقی در سطح منطقه از طریق برگزاری دوره های آموزش قرآن و اخلاق به فرزندان و بانوان از دیگر خدمات مجموعه شهربانو است.»

با توجه به گستردگی و توسعه روز افزون کلان شهر تهران و تنوع خرده فرهنگها و وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجود در آن، به تناسب وضعیت حاکم بر مناطق شمالی، جنوبی، شرقی و غربی و مرکزی در تهران، مراکز شهربانو در هر کدام از مناطق مذکور ایجاد شده تا بتوان به تناسب وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هر یک، برنامه ها و فعالیت های متناسب با آنها را طراحی و اجرا کرد. قطعاً معماری و مدیریت چنین مرکزی نشان از تغییر کلیشه های فرهنگی جنسیتی در جامعه جهت تغییر نگرش سلبی به نگرش ایجابی، گسترش ارتباطات اجتماعی در جهت استحکام هویت و شخصیت و تقویت توانمندیها و در نهایت ایجاد احساس خود ارزشمندی بانوان خواهد داشت.

در بیان ضرورت ایجاد مراکز شهربانو در سطح شهر تهران بایستی به رویکرد شهردار محترم در سند ۵ ساله توسعه و طرح جامع شهر تهران در الزام مدیریت شهری به اتخاذ تدابیر ویژه برای تسهیل زندگی دختران و بانوان تهرانی از طریق فراهم نمودن زمینه های بهره مندی ایشان از امکانات و فضاهای شهری اشاره نمود. شکل گیری مکان های که زن مسلمان محجبه ی ایرانی بتواند نیازهای ضروری فرهنگی، هنری، اقتصادی، تفریحی، ورزشی و .. خود را در یک محیط امن و سالم برآورده کند همواره از دغدغه های مدیریت شهری بوده است. از دیگر دلایل طراحی این مراکز، مرتفع نمودن نیازهای اشتغال زنان است. بخشی از فضاهای این مراکز به

۱. ایجاد، تجهیز و توسعه مجموعه های شهربانو و پارک های بانوان، تجهیز کتابخانه های تخصصی بانوان، طراحی، راه اندازی و بروزرسانی سایت اداره کل امور بانوان، و سایت همراز یاس ویژه زنان شهیده، جانباز و ایثارگر، طراحی و راه اندازی سامانه بانک اطلاعات بانوان.

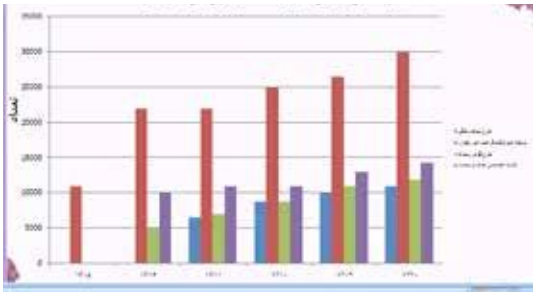
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]



نمودار ۵. افراد تحت پوشش طرح غنچه های شهر؛ ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۱.



نمودار ۶. افراد آموزش دیده در حوزه خانواده؛ ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۱.



نمودار ۷ (سمت راست). استفاده کنندگان از برنامه های بانوان طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰؛ ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۰.



نمودار ۸ (سمت چپ). تعداد پروژه های محلی در طرح اجتماعی بانوان؛ ماخذ: گزارش طرح تحقیقاتی مرکز بانوان شهرداری تهران؛ ۱۳۹۰.

ایجاد فرصت های شغلی برای بانوان اختصاص دارد.

نتیجه گیری و جمعبندی

یکی از معضلات و مشکلات زنان در جوامع جهان سوم، فقر و محرومیت است که از دستیابی زنان به امکانات و مهارت های لازم برای توانمند شدن جلوگیری به عمل می آورد و سبب می شود که زنان برای برعهده گرفتن نقش های اجتماعی از توانایی های لازم برخوردار نباشند؛ ولی مسئله اینجاست که در صورت نبود مردان، این نقش ها به اجبار به زنان سپرده می شود اگرچه زنان، توانایی لازم برای برعهده گرفتن این مسئولیت را دارا نیستند. زنان سرپرست خانوار یکی از گروه های جامعه هستند که به دلیل مسائل و مشکلات پیش رونده ای که دچار آن می باشند؛ به عنوان یکی از اقشار آسیب دیده جامعه، نیازمند بررسی و مطالعه هستند.

در جوامع جهان سوم که زن بودن خود به تنهایی تبعات و مسائلی را در پی دارد؛ سرپرست خانوار بودن زنان می تواند مشکلات پیچیده تری ایجاد کند. زنان سرپرست خانوار با مشکلات و معضلات عدیده ای روبرو هستند که این مسائل و مشکلات شامل مشکلات اقتصادی و فقر، مشکلات رو حی و روانی، مشکلات آموزشی و مهارتی، مشکلات جسمی و سلامتی، مشکلات اجتماعی، مشکلات مربوط به بیمه و تجرد قطعی می شود که در واقع هر کدام از عوامل به نوعی می تواند موجد عوامل دیگر باشد. به دلیل این عامل مشکل زا و پیامدهای آن، باید تلاش هایی در جهت توانمندسازی این زنان صورت بگیرد که این مهم همیاری جدی دولت و شخص این زنان را می طلبد. مسئله دیگری که در این مجال فرصت طرح شدن می یابد تغییر نگرشی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

ست که نسبت به حرفه ی خیاطی صورت گرفته است و باعث شده است که امروزه آن شغل امن و زنانه ی دیروز نگاههای ناخوشایندی را به خود معطوف کند که البته عامل اصلی آن زنان و دخترانی هستند که از محیط های آسیب زای خود، مسائل و مشکلاتشان را به این محیط تسری می دهند. باید به توانمندسازی زنان به صورت پدیده‌یی ملموس و واقعی، یعنی چنان که هست، به صورت عینی و با توجه به محتوای فلسفی ویژه‌اش بر خورد کرد. بنابراین برنامه‌ریزی‌ها و ارائه‌ی طریق‌ها باید با توجه به مسائل فرهنگی و چالش‌هایی که در سنت‌ها، راه و رسم زندگی و شیوه‌ی تفکر افراد ایجاد می‌شود، صورت پذیرد تا از همان آغاز، منجر به واکنش‌های نامناسب، پیش‌داوری غیرمنطقی همراه با ارزیابی‌های اخلاقی احتمالی به وسیله‌ی افراد با نگرش‌های مختلف نگردد. از آن‌جا که هر گونه برنامه‌ریزی برای توان‌مندسازی زنان در یک توسعه پایدار، ناگزیر با توجه به الگوها و نگرش‌ها و یافته‌های غربی موجود خواهد بود، توجه به شرایط اجتماعی اقتصادی و سیاسی هر منطقه و در نهایت کشور از اهمیت ویژه‌یی برخوردار است. به این ترتیب، مسأله‌ی مهم، ایجاد رابطه‌یی ظریف و دقیق بین فن‌آوری جهانی - هیچ عاملی نمی‌تواند آن را از پیش‌روی باز دارد - و فرهنگ‌ها و فضیلت‌های تصوری و یا واقعی موجود در جامعه است. هر گونه بی‌توجهی به موارد مذکور و اشتباه ممکن است موجب واکنش‌های منفی و واپس‌گرایانه و یا مثبت غیرمعقولانه شود. رسانه‌ها و کتاب‌های درسی در ایجاد تغییر و حذف کلیشه‌های نقش سنتی و کهنه از زنان و مردان نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند. ارائه تصویر مثبت از مشارکت زن و مرد در خانواده، جامعه و زندگی فردی باعث پویایی و تداوم توسعه پایدار خواهدشد، اعتماد و عزت نفس به دختران نوجوان داده می‌شود و دوگانه‌گی شخصیتی پیدا نخواهند کرد. اعتماد به نظام اجتماعی و آموزش و نهادهای جامعه مستحکم خواهد شد و هرچه‌قدر تعداد زنان آگاه، تحصیل‌کرده، ماهر و متخصص افزایش یابد، گستره‌ی توانایی‌های جامعه نیز وسعت می‌یابد. و کلام آخر آن که اقدامات نمادین و نمایشی چاره‌ی کار نیست. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل اصل دانستن «کرامت انسانی» دارای بهترین شرایط برای شناسایی امور و احقاق حق مستضعفین جهان از جمله زنان است؛ لذا راه حل‌هایی برای تغییر وضعیت موجود، به کلیه زنان جهان ارایه می‌نماید. توصیه و پیشنهاد به سازمانهای غیر دولتی زنان (NGO) در رابطه با زنان عبارتند از:

۱. زنان باید همبستگی اجتماعی خود را ارتقاء داده و بانوان مشخصی که دارای زمینه ذهنی آماده‌تری هستند می‌توانند شرایط رشد، پرورش، و تعالی حساسیت سایر زنان را تامین نموده و توجه آن‌ها را از مشکلات ریز اجتماعی به حضور در تصمیم‌گیری‌های کلان تشویق نمایند تا بتوانند در توسعه امنیت و آزادی مشارکت پیدا کنند.

۲. همبستگی اجتماعی باید از نظر فرهنگی، به توسعه تفاهم اجتماعی، از نظر اقتصادی، به توسعه تعاون و همکاری اجتماعی و از لحاظ سیاسی، به توسعه امنیت اجتماعی منجر گردد.

۳. هدف از فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، ارتقاء سطح فکری آنان در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مقابله با مظالم جهانی (نه مقابله با مرد و طرح برابری‌ها یا اختلاف جنسی) از طریق ایجاد حادثه و تغییر جهت‌حوادث جهان به نفع قشر مظلوم می‌باشد.

۴. توصیه به مسؤولین سازمان ملل و کنفرانس‌های بین المللی که در تنظیم و تصویب قوانین (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) جهانی حقوق زنان را به طور کامل رعایت نمایند.

۵. بررسی و مطالعه در روش اطلاع رسانی، تنظیم اطلاعات، تکنولوژی، توزیع آن از طریق شبکه‌های اطلاع رسانی جهانی و مبارزه با طبقاتی شدن اطلاعات و فرهنگ به نفع قشر قدرتمند.

پیشنهادهای که برای دست‌یابی به این مهم ارایه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

می‌شوند عبارتند از: الف: ارائه خدمات ساده و پیشرفته سازمانی به زنان جهان؛ ب: بالابردن سهم تاثیر زنان در تغییر و توسعه شرایط اجتماعی برای حل مشکلات اقشار مستضعف در جهت تکامل؛ ج: بالا بردن سطح همکاری زنان در جهان؛ د: ایجاد هم‌دلی، هم‌فکری، و همکاری با زنان مستضعف جهان.

با توجه به محدودیت ها و مسئولیت های سنگین بانوان در خانه و محیط و همچنین نیاز به الگوهای صحیح توسعه و تحکیم خانواده مراکزی مختص بانوان که بتواند در امر خطیر احیاء اهداف فرهنگی و اجتماعی خدمت کنند بسیار ضروری است. موارد ذیل از دیگر ضرورت های ایجاد مراکز شهربانو به استناد سند ۵ ساله و طرح جامع شهر تهران است:

۱. ایجاد و توسعه مراکز فرهنگی، اجتماعی و ورزشی ویژه بانوان در سطح مناطق شهری (با عملکرد محله‌ای، منطقه‌ای و شهری) به‌منظورتسهیل دسترسی سالم بانوان در محیط های عمومی و استفاده از مواهب شهر، افزایش رفاه، احساس امنیت، آرامش و رضایتمندی دختران و زنان تهرانی در گذران اوقات فراغت خود و استفاده بهینه از امکانات و فرصت های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، تفریحی، شکوفایی اقتصادی با پشتوانه های دینی و معنوی

۲. ارائه تسهیلات آموزشی و مشاوره ای در سطح نواحی و محلات در جهت کاهش آسیب های مرتبط با بانوان

۳. حمایت از ایجاد و گسترش سازمان های غیر دولتی، نهادهای مدنی و کانون های زنان با رویکرد محله محوری

در زمینه توانمندسازی و بانوان سرپرست خانوار اقداماتی لازم بنظر می‌رسد مشتمل بر: طرح ظرفیت‌سازی اجتماعی بانوان، تهیه نیمرخ استعدادهای بانوان محلات، تشکیل گروه‌های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پروژه های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیت های بانوان و یا در زمینه اقدامات اموزشی و ترویجی برای ایشان موارد زیر پیشنهاد می شود مشتمل بر: برگزاری جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، برگزاری کارگاه های آموزشی و جشنواره و نمایشگاه، جشنواره سراسری بهترین ها از دوریختنی ها، برگزاری کارگاه های اموزشی برای بانوان سرپرست خانوار، جشنواره سراسری برای زنان و زندگی شهری. همچنین برای زمینه سازی در راستای جلب مشارکت زنان اقدامات پیشنهادی مشتمل اند بر: طرح اجتماع محور ارتقاء هویت و تعلق محله‌ای بانوان، تهیه نیمرخ تعلق محله‌ای بانوان محلات، تشکیل گروه های همیاری اجتماعی، جلب مشارکت ذینفعان محلی، برگزاری کارگاه های آموزشی، طراحی و تسهیلگری پروژه های کوچک محلی در زمینه ارتقاء ظرفیتهای بانوان سرپرست خانوار و برای جلب مشارکت شبکه های اجتماعی پیشنهادات مشتمل اند بر: راه اندازی خانه های تسنیم، استقرار مدیریت امور بانوان در محلات، هماهنگی و هم افزایی ابتکارات و توانمندی های بانوان و کانون های محلی محلات، حمایت و هدایت شبکه های اجتماعی بانوان محلات، هم‌افزایی با سایر خانه ها و کانون های محلی سراهای محلات، تشکیل کانون های ۹ گانه بانوان در محلات.

منابع و ماخذ

ابوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۷) جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی، سایت بنیاد اندیشه اسلامی.

ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰) جامعه شناسی توسعه، تهران: نشر نی.

اسدی، عبد الرضا (۱۳۸۱) «شناخت زنان روستایی با کاربرد روش تحقیق کیفی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳.

افشاری، زهرا و ابراهیم شیبانی (۱۳۸۰) «تجزیه جنسیتی بازار کار ایران»، پژوهش زنان، شماره ۱.

انکر، ریچارد و هین، کاترین، زنان در بازار کار ایران، به انظمام تئوریهای نابرابری جنسیتی، ترجمه‌ی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

پرویـن رئیسـی فـرد (۱۳۷۸)، روشـنگران و مطالعـات زنـان، تهران.
آیـت الهـی، زهـرا (۱۳۸۱) زن و خانواده، تهـران، روابط عمومی شـورای فرهنگـی اجتماعی زنـان، تهران.
بابایـی زکلیلـی، محمد علی (۱۳۸۵) چالـش های زنان بـرای ارتقـاء به مشـاغل دولتـی، فصلنامه مـدرس علوم انسـانی ویژه مدیریت.
بامـداد، شـیدا (۱۳۷۶) بررسـی عوامـل مؤثر بـر میزان هـای اشـتغال زنان در ۲۵۲ شهرسـتان کشـور - سـال ۱۳۷۵، مجموعـه مباحـث و مقـالات همایـش تدویـن برنامـه سـوم توسـعه کشـور، سـازمان برنامـه و بودجه، تهران.
بشـیریه، حسـین (۱۳۸۷)، جامعـه شناسـی سیاسـی، تهـران: نشـر نی.
بهمن‌پـور، ثریـا؛ شـیخی، ایمـن سـادات (۱۳۸۵) توانمندسـازی جامعـه محلی: توسـعه پایدار سـکونتگاه غیررسـمی نوده مشـهد، مؤسسـه همیاران غـدا، تهران.
بیابانـی، جهانگیـر (۱۳۸۵)، کار زنـان و پدیـده بیکاری سـاختاری در کشـور، اطلاعـات سیاسـی اقتصـادی، شـماره ۲۳۱ و ۲۳۲.
پیـران، پرویـز (۱۳۷۶) «مبانـی مفهومـی مشـارکت زنـان روسـتایی»، خلاصه گـزارش گروههـای مطالعاتی گردهمایـی زن، کشـاورزی، توسـعه ۱۴۰۰، جلـد اول، گـزارش اول.
توسـلی، غلامعبـاس (۱۳۷۶) زندانیـان و مسـاله مشـارکت، نتایـج یـک تحقیـق، نامـه علـوم اجتماعی، شـماره ۹ و ۱۰.
حبیبـی، سـید محسـن؛ سـعیدی رضوانـی، هـادی (۱۳۸۴) شهرسـازی مشـارکتی؛ کاوشـی نظـری در شـرایط ایـران، فصلنامـه هنرهـای زیبـا، شـماره ۲۴، صفحـات ۲۴-۱۵.
حسـینی، زهـرا (۱۳۸۱) ضـرورت و محدودیتهـای اشـتغال زنـان، نشـر جامعـه، تهـران.
حکیم پـور، محمـد (۱۳۸۳) حقـوق زن در کشـاکش سـنت و تجـدد، انتشـارات نقمـه نـوازش ، ایـران چاپ، تهران.
خسـروی، زهـره (۱۳۸۰) بررسـی آسـیب هـای روانـی اجتماعـی زنـان سرپرسـت خانـوار، فصلنامـه علـوم انسـانی دانشـگاه الزهـرا شـماره ۳۹.
خواجه‌نـوری، بیـژن، عبدالعلی لهسـایی زاده و جهانگیر جهانگیـری (۱۳۸۴) بررسـی مشـارکت اقتصـادی زنان روسـتایی، مطالعـه مـوردی اسـتان فـارس، مجلـه‌ی جامعـه شناسـی ایـران، دوره‌ی ششـم، شـماره‌ی ۳، ص.۱۲۴-۱۴۵.
رایـس، کلاراکولیـور (۱۳۸۳) زنـان ایرانی و راه و رسـم آنـان، ترجمـه اسـدالله آزاد، تهران، نشـر کتابدار.
زارع شـاه آبـادی، علیرضـا و همکاران (۱۳۹۰) بررسـی شـاخصها و سـطح بندی اولویـت هـا در سـاماندهی و توانمندسـازی محلـه جنگلـده شـهر علـی آبـاد کتـول (اسـتان گلسـتان)، پژوهشـهای جغرافیـای انسـانی.
زیـاری، کرامـت ا... و آذر دخـت نـوذری (۱۳۸۸) سـاماندهی و توانمندسـازی اسـکان غیر رسـمی شـهر اهـواز (کوی منبع آب)، پژوهشـهای جغرافیای انسـانی، شـماره۶۸، صـص ۲۱-۳۶.
سـعید زاده، سـید محسـن (۱۳۷۴) مشـاغل زنان، پیام زن، شماره ۳۸۳.
سـفیری، خدیجـه (۱۳۷۷) جامعـه شناسـی اشـتغال زنـان، تبیـان.
سـگالن، مارتیـن (۱۳۷۰) جامعـه شناسـی تاریخـی خانـواده، ترجمـه حمیـد الیاسـی، تهـران، نشـر مرکز.
شـادی طلب، ژاله (۱۳۸۲) بررسـی مشـارکت اجتماعی زنـان در تهـران، پژوهـش زنـان، دور اول، سـال ۳، شماره ۵.
شـادی طلـب، ژالـه و علیرضا گرائـی نـژاد (۱۳۸۳) فقر زنـان سرپرسـت خانـوار، فصلنامـه پژوهش زنـان، دوره ۲، شـماره۱، تهران.
شـادی طلب، ژالـه و وهابی، معصومه و ورمزیار، حسـن (۱۳۸۴) مقالـه فقـر درآمـدی فقـط یـک جنبـه از فقر زنـان سرپرسـت خانـوار، فصلنامه علمی پژوهشـی رفاه اجتماعی، سـال چهارم، شـماره ۱۷.
شـهیدی، اکـرم (۱۳۸۶) توانمندسـازی اجتماعـات محلـی اسـکان غیررسـمی، گامـی بـه سـوی پایـداری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

شهری، مسکن و انقلاب، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۸۶، صص۴۴-۵۱.
شیخی، محمد (۱۳۸۱) فرآیند شکل گیری، و دگرگونی سکونتگاههای خودرو پیرامون کلان شهرتهران، فصل نامه هفت شهر، سال دهم، شماره هشتم، تهران.
طالبیان، احمدرضا و وفایی، فاطمه (۱۳۸۵) الگوی جامع توانمندسازی منابع انسانی، مجله تدبیر، تهران.
عفتی، محمد (۱۳۷۱) بررسی عوامل موثر بر مشارکت روستائیان در طرح های توسعه روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران
علیخواه،فردین و نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۴) زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، ۱۳۸۴
غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی- اقتصادی سازمان یافته روستائیان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه تهران
فتاحی زاده ، فتیحه (۱۳۸۳) زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، قم.
فرخی، طاهره (۱۳۸۱) نقش زنان در توسعه پایدار و تواناسازی زنان، ماهنامه تعاون، دوره جدید، ش ۷۴، ص ۷۶-۷۹.
فروزان، ستاره (۱۳۷۹) طرح بررسی شاخص های فقر انسانی در زنان سرپرست خانوار خدمت گیرنده از سازمان بهزیستی کشور، سازمان بهزیستی کشور، تهران.
فروزان، ستاره و اکبر بیگلریان (۱۳۸۲) زنان سرپرست خانوار: فرصتها و چالشها، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۵، تهران، صص ۳۵-۸۲.
فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
قدیر، محسن (۱۳۸۰) اشتغال زن از منظر غرب و اسلام، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسایل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، تهران.
کتابی، محمود، یزدخواستی، بهجت و زهرا فرخی راستابی (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، سال۳، شماره ۷، تهران، صص۵-۳۰.
کتابی، محمود، یزدخواستی،بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، مجله پژوهش زنان، شماره ۷.
کجباف، محمد باقر و کاظمی، ملیحه سادات (۱۳۸۷) بررسی نگرش کارکنان سازمان آموزش و پرورش شهر اصفهان به مدیریت زنان و موانع ارتقای زنان به جایگاه های مدیریتی، مجله مطالعات زنان شماره ۳.
کمالی، افسانه (۱۳۸۰) «رهیافت مشارکت زنان در توسعه: پیش شرط ها و موانع»، فصلنامه پژوهش زنان، تهران، دوره ۱، شماره ۱.
کوئن، بروس (۱۳۷۷) درآمدی به جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
لانگه، سارا (۱۳۷۲) معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، تهران، چاپ اول.
لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، چاپ سوم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
مرکز امور مشارکت زنان (۱۳۸۰) بررسی آمار وضعیت زنان بر مبنای رویکرد توسعه انسانی، معاونت امور اجتماعی و توسعه مشارکتها.
مصفا، نسرین (۱۳۷۳)، نقش مشارکت سیاسی در توانا سازی زنان، مجله سیاست خارجی، سال هشتم، شماره ۳.
مطیعی لنگرودی، سیدحسین(۱۳۸۲) برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]

مهدیـزاده، جـواد (۱۳۸۷) درآمدی بر نظریه های شـهر و جنسـیت در جسـتجوی شـهرهای انسـانی تر، مجلـه جسـتارهای شهرسازی، شـماره ۲۵، ۱۳۸۷
موسـوی، سـید یعقـوب (۱۳۸۱) مشـارکت زنـان در گفتگـوی تمدنهـا، فصلنامه مطالعات ملی، سـال سـوم، شـماره ۱۲.
میلانـی، نـدا (۱۳۷۶) بررسـی طـرح شـهردار مدرسـه بعنـوان یک عامـل مشـارکت زا در میان دانـش آموزان راهنمایـی مدارس تهران، پایان نامه کارشناسـی ارشـد، دانشـگاه تهران.
نادعلی،لیـلا، (۱۳۸۵) مدیریـت زنـان، مجلـه مدیریـت شـماره ۱۱۶.
نصیـری، معصومـه (۱۳۸۴)، فقـر و تبعیـض علتهـای محدودیـت توسـعه اجتماعـی زنـان ایـران، فصلنامـه اطلاعـات سیاسـی و اقتصـادی، شـماره ۲۱۱ و ۲۱۲.
نـوروزی، لادن (۱۳۸۳) موانـع ارتقـای زنان به مشـاغل مدیریتـی، مجله پژوهشـی زنان، شـماره ۱.
Alexander, E.R. (1992), Approaches to planning: Introducing Current Planning Theories, Concepts & Issues, Gordon and Breach Science Publishers, Philadelphia.
Chant, S.,(1997), "Woman-headed Household: Diversity and Dynamics in the Developing World", Houndmills, Basingstoke:McMillan.
Chant, S.,(2003), "Female Household Headship and the Feminisation of Poverty: Facts, Fictions and Forward Stragies", Issue 9, Gender Institute, London School of Economics.
Elwood, S.A. (2002), "GIS Use in Community Planning: A Multidimentional Analysis of Empowerment." Environment and Planning A :34 22-905.
Erstad. Margaret (1997). "Empowerment and Organizational Change". International Journal of Contimporary Hospitality
Ewer, Phyllis, A, Crimmins Eileen, Oliver Richard (1979) "AN Analysis of Relationship Between Husband's Income, Family Size and Wife's Employment in the Early Stages of Marriage", Journal of Marriage and the Family, Vol 44, No 4.
Kandiyoti, Deniz (1985), Woman in Rural Production System: Problems and Political, France: UNICCO.
Kyem, P.A.K., (2004), "Power, Participation, and Inflexible Institutions: An Examination of the Challenges to Community Empowerment in Participatory GIS Applications", Cartographica, 38, No.4&3, March 2004,pp.17-5.
Lahsaeizadeh, Abdolali (1987), Land Reform and Social Change in Rural Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO NO 2/1.
Lahsaeizadeh, Abdolali (1988), Post-Revolutionary Land Distribution in Iran, "Land Reform, Land Settlement and Cooperatives, FAO. NO 2/1.
Lahsaeizadeh, Abdolali (1993), Contemporary Rural Iran. Alders hot, England: Overbuy.
Lowe, et al (1999), "Participation in rural Development," center for rural economy.
Mclaverty, p (2002), Public participation and innovations in community governance, Ash gate.
Oakley, P. et al. (1999) Protects People the Practice of Participation in Rural Development. Geneva: ILO.
Sargent, L. Tower. (1999). "Contemporary Political Ideologies, Philadelphia: Fort Worth".
Sills, David (1968), International Encyclopedia of Social Sciences, New York, Macmillan Company and the Free Press.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-02]